

به نام خداوند بخشاینده مهربان

از خنده تا کشتار

تحلیلی بر واکنش مخالفان پیامبران از دیدگاه قرآن

تحقیق و بررسی ذیل خلاصه ای از معانی آیات قرآن است که پیرامون واکنش تاریخی مشرکان و کافران به دعوت پیامبران صورت گرفته و اکثریت مخالفت ها و سرسختی های مخالفان پیامبران در طول تاریخ بعثت حالت مشابه داشته است که گویای طرفند شیطان و نفس های اماره انسان های طغیانگر است که شیوه های تکراری را به کار می برده اند. البته مبارزات خاص مخصوص هر پیامبر به طور ویژه نیز وجود داشته است. این مخالفت ها شامل انواع متفاوتی از روش های ناجوانمردانه است که به صورت بیان علنی ابراز می شده که از خنده تلخ مسخره آمیز شروع می شود و تا اقدام به قتل و به شهادت رساندن بسیاری از پیامبران عظیم شأن ادامه می یابد که برای بسیاری از پیامبران قتل اتفاق می افتد و در اقلیتی از آن ها به اراده خداوند این اقدام ناکام می ماند. البته این مخالفت ها نه تنها بر علیه پیامبران انجام می شده بلکه طیف مؤمنان معتقد به آن ها را نیز در بر می گرفته و آن ها هم به همین حمله ها مبتلا می شدند. پیامبرانی نظیر: حضرت زکریا (ع)، حضرت یحیی (ع) و ... مصداق بارز این کشتارها هستند که در مبحث مربوط به آن، این قتل ها بررسی خواهد شد.



این واکنش‌ها نسبت به پیامبران و مؤمنانِ مدافع آن‌ها اولاً عکس‌العملی نسبت به سخنان پیامبران و دعوت آن‌ها به سوی خدای رحمان و دور کردن جامعه از شرک و کفر است. ثانیاً دشمنان پیامبران نسبت به معجزات، کرامات و آیات الهی آن‌ها نیز عکس‌العمل شدید نشان می‌دهند. ثالثاً بیان روز رستاخیز و لقای الهی، وحدانیت خداوند، عدالت، توجه به همه اقشار مردم و برابر دانستن شخصیت انسان‌ها از بردگان تا اشراف و حاکمان و ... به شدت مورد مخالفت مشرکان، کافران و بددینان و ... بوده است.

قرآن افشاءکننده رنج و مظلومیت ستم‌کشیده‌ترین طائفه انسان‌ها یعنی پیامبران عظیم و شأن و پیامبران معتقد به آن‌ها می‌باشد.

۱. ضحک: خندیدن نیش‌دار و مسخره‌آمیز

ضحک خنده‌ای است که دندان‌ها ظاهر شوند. دندان‌های جلو را ضواحک گفته‌اند، خنده، صدای خنده بلند و ... از دیگر معانی ضحک است. سوره مؤمنون آیه ۱۱۰ می‌فرماید:

« ولی شما آنان را به مسخره گرفتید تا یاد مرا از خاطرتان برد و شما همواره به آن‌ها می‌خندیدید. »

سوره زخرف آیه ۴۷ می‌فرماید: « نهایتاً چون (حضرت موسی (ع)) معجزات و نشانه‌های ما را برای آنان آورد ناگاه همگی آنان به او خندیدند (از روی ریشخند) »

سوره مطففین آیه ۲۹ می‌فرماید: « مجرمان همیشه (از روی ریشخند) به مؤمنان می‌خندیدند. » و

۱. لازم به یادآوری است که معانی لغوی کلمات قرآن در این پژوهش از میان کتب لغت قرآن مثل قاموس قرآن، مفردات راغب و ... و تفاسیری مانند مجمع‌البیان، المیزان و ... و دایرة‌المعارف‌های لغات مانند دهخدا و ... و سایت‌های معنی‌کننده لغات مانند ویکی‌پدیا، المعارف و ... می‌باشد.



۲. استهزاء کنندگان

مخالفتان در ادامه خندیدن و ریشخند کردن پیامبران و امت آن‌ها این شیوه را تغییر می‌دهند و به صورت برنامه ریزی شده نظرات پیامبران را مورد تمسخر و استهزاء قرار می‌دهند.

مستهزئین: استهزاء کنندگان، طعنه زندگان^۱

الف - مخالفتان در دومین مرحله، پیامبران و مؤمنان را مورد تمسخر و استهزاء قرار می‌دهند و اصل نبوت و استدلال‌ها و بینات آن‌ها را به استهزاء می‌گیرند. به آیاتی در این زمینه دقت فرمائید:

سوره حجر آیه ۱۱ می‌فرماید: «هیچ پیامبری به سوی آنان نمی‌آمد مگر آن‌ها او را مسخره می‌کردند.» همچنین سوره زخرف آیه ۷.

ب - مسخره کردن پیامبران در طول تاریخ توسط مشرکان و کافران انجام می‌شده است. سوره رعد آیه ۳۲ می‌فرماید: «قطعاً پیامبرانی که پیش از تو بودند مسخره شدند پس به کافران مهلت دادم سپس آنان را به کیفر سخت گرفتم و ...»
از جمله سوره انبیاء آیه ۴۱، سوره یس آیه ۳۰ و ... از این نوع آیات است.
ج - استهزاء بینات و آیاتی که پیامبران عنوان می‌کردند.

^۱ . فرهنگ لغت دهخدا.

^۲ . و به راستی پیش از تو پیامبرانی مورد استهزاء قرار گرفتند، پس عذابی را که همواره مسخره می‌کردند، استهزاء کنندگان را فرا گرفت.

^۳ . ای دریغ و افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت‌شان نمی‌آمد مگر اینکه او را مسخره می‌کردند!



سوره روم آیه ۱۰ می فرماید: « آن گاه بدترین سرانجام، سرانجام کسانی بود که مرتکب زشتی شدند و به سبب اینکه آیات خدا را تکذیب کردند و همواره آن ها را به مسخره می گرفتند. » همچنین سوره شعراء آیه ۶.

د - استهزاء و مسخره کردن عذاب و نتیجه اعمال بد انسان ها که به خودشان بر می گردد. سوره نحل آیه ۳۴: « پس (کیفر) بدی هایی که انجام دادند به آنان رسید و عذابی که همواره مسخره می کردند بر آنان نازل شد. »

از جمله سوره زمر آیه ۴۸، سوره احقاف آیه ۲۶، سوره انعام آیه ۱۰، سوره جاثیه آیه ۵۳۳ و ... از این دست آیات است.

۱. همانا [آیات و وعده های ما را] تکذیب کردند [تا جایی که آنها را به مسخره گرفتند] پس به زودی خبرهای [مهم] آنچه که آن را مسخره می کردند [از حَقَانِیَّت آیات، وعده های ما و تحَقِّق عذاب های دنیایی و آخرتی] به آنان می رسد.

۲. و زشتی های آنچه را که مرتکب شده اند برای آنان پدیدار می گردد، و آنچه [از عذاب هایی] که مسخره می کردند، آنان را احاطه خواهد کرد.

۳. همانا ما به آنان در اموری قدرت و تمکن داده بودیم که شما را در آن امور چنان قدرت و نیرویی نداده ایم، و برای آنان گوش و چشم و دل قرار داده بودیم، ولی گوش و چشم و دلشان چیزی از عذاب را از آنان برطرف نکرد؛ زیرا همواره [با داشتن آن ابزار تشخیص] آیات ما را انکار می کردند، و سرانجام عذابی که همواره آن را مسخره می کردند، آنان را احاطه کرد .

۴. مسلماً پیامبران پیش از تو هم مسخره شدند؛ پس بر کسانی که پیامبران را مسخره می کردند، عذاب و کیفری که همواره به استهزا می گرفتند نازل شد و آنان را فرا گرفت.

۵. مسلماً پیامبران پیش از تو هم مسخره شدند؛ پس بر کسانی که پیامبران را مسخره می کردند، عذاب و کیفری که همواره به استهزا می گرفتند نازل شد و آنان را فرا گرفت.



۳. سخروا

سَخَّرَ به معنی وارونه گویی، خوار شمردن، مسخره کردن، گوشه و کنایه، هجو کردن، ریشخند، طعنه زدن، سخنان مسخره آمیز گفتن، هو کردن و دست انداختن، تقلید در آوردن در فرهنگ لغت عربی فارسی و دیگر کتب لغت نامه ها معنی شده است.

سوره بقره آیه ۲۱۲ می فرماید: « زندگی دنیا برای کافران آراسته شده و به این سبب مؤمنان را مسخره می کنند در حالی که پروا پیشگان در روز قیامت برتر از آنان هستند ... » سوره توبه آیه ۷۹، سوره هود آیه ۳۸، سوره صافات آیه ۱۲، سوره انبیاء آیه ۴۱ و ... از جمله این آیات هستند.

۱. آنان که در رابطه با صدقات از مؤمنانی که [افزون بر صدقه واجیشان از روی رضا و رغبت] صدقه [مستحبی] می پردازند، عیب جویی می کنند، و کسانی را که جز به اندازه قدرتشان [ثروت و مالی] نمی یابند [تا صدقه دهند] مسخره می کنند؛ خدا هم کیفر مسخره آنان را خواهد داد و برای آنان عذابی دردناک خواهد بود.

۲. و [نوح] کشتی را می ساخت و هرگاه گروهی از [اشراف و سران] قومش بر او عبور می کردند، او را به مسخره می گرفتند. گفت: اگر شما ما را مسخره می کنید، مسلماً ما هم شما را [به هنگام پدید آمدن توفان] همان گونه که ما را مسخره می کنید، مسخره خواهیم کرد.

۳. بلکه [تو از انکارشان] تعجب می کنی و آنان مسخره می کنند (۱۲) و هنگامی که به آنان تذکر، می دهند متذکر نمی شوند (۱۳) و چون معجزه ای را می بینند به شدت مسخره می کنند [و دیگران را هم به مسخره وامی دارند]، (۱۴) و می گویند: این جز جادویی آشکار نیست. (۱۵)

۴. و به راستی پیش از تو پیامبرانی مورد استهزا قرار گرفتند، پس عذابی را که همواره مسخره می کردند، استهزاء کنندگان را فرا گرفت.



۴. اساطیر الاولین

در میان تفاسیر دو معنی برای اساطیر الاولین بیان شده است.

معنی اول: اساطیر را به معنی اسطوره یا شخصیت های افسانه ای تاریخی دانسته اند. این شخصیت ها در تاریخ قدیمی اکثر کشورها وجود داشته است مانند: رستم، زال، فریدون، جمشید، ضحاک و ... در تاریخ باستانی ایران آشیل، هرکول، ماسیس و ... در تاریخ یونان و روم قدیم و ... وقتی که حضرت رسول (ص) از بزرگانی نظیر حضرت سلیمان (ع) و داستان های او، حضرت موسی (ع) و معجزاتش، حضرت نوح (ع) و کشتی اش و ... سخن می گفت، او را متهم می کردند که این اشخاص واقیعت ندارند بلکه مانند شخصیت های افسانه ای کشورهای مختلف و فرهنگ های آن ها اسطوره های گذشته می باشند بنابراین اساطیر الاولین یعنی افسانه ها و اسطوره های پیشینیان می باشد.

سوره انفال آیه ۳۱ می فرماید: « هنگامی که آیات ما برای آن ها خوانده می شود می گویند شنیدیم ما هم اگر بخواهیم مانند آن را می گوئیم این آیات جز افسانه پیشینیان (اساطیر الاولین) نیست.

در این باور اساطیر الاولین قصه هایی هستند که واقیعت ندارند و منشأ تاریخی آن ها مشخص نیست و قصه هایی هستند که درباره چگونگی خلقت جهان، به وجود آمدن انسان و به وجود آمدن خدایان و جنگ بین آن ها، مصیبت های بزرگ اقوام قدیمی و ... که مذهب و دین گذشتگان بوده است که به تدریج از میان رفت و علم و آگاهی جای آن را گرفت.

سوره مطففین آیه ۱۳ می فرماید: « متجاوزین و گناه پیشگان هر گاه آیات ما را که برای آن ها می خوانند می گویند افسانه پیشینیان است. »



معنی دوم: اساطیر از سطر به معنی نوشتن یا کتابت کردن است. فرهنگ نویسان عربی اساطیر را برگرفته از ریشه «س ط ر» نوشتن دانسته اند و آن را به معنی سخنان بی سامان یا اکاذیب و اباطیل و ... معرفی کرده اند و در قرآن به معنی نوشته های دروغین و ساختگی به شمار آورده اند.^۱

در کتاب معنی شناسی اساطیر در قرآن کریم چنین آمده است که سوره قلم آیه ۱۵ می فرماید: « اهل تکذیب وقتی آیات قرآن بر آنان خوانده می شود می گویند افسانه پیشینیان است. »

این نویسنده می نویسد: « سوره قلم دومین یا چهارمین سوره نازل شده قرآن است که در آن زمان هیچ قصه ای به حضرت رسول (ص) وحی نشده بود که آیات را افسانه پیشینیان بدانند و کلاً هیچ قصه و داستانی در آیاتی که توسط کفار آن را افسانه گذشتگان نامیده اند نیامده است. بنابراین نظر مشرکان و کفار به اسطوره های تاریخی نبوده است بلکه اساطیر اولین را نوشته های به جا مانده از گذشتگان می دانسته اند. »^۲

این معنی برای اساطیر یعنی سخنان پیشینیان توسط ابن عباس، سدی، طبری، طوسی، طبرسی، ابن کثیر، رشید رضا و ... نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

این دسته تأکید دارند که در آیات نازل شده در مورد اساطیر اولین در قرآن هیچ گاه داستان یا اسطوره ای مطرح نبوده است که اشاره به آن ها مدّ نظر آیه مطرح شده باشد.

۱ . سایت ویکی فقه.

۲ . نوشته سید محمود طیب، ص ۱۷۰ الی ۱۷۳.



خلاصه متن آیات درباره اساطیر اولین

۱. آیاتی که قرآن و آیات آن را نوشته هایی که بازمانده از گذشتگان است را مطرح می کند. بدین معنی که کافران و مشرکان قرآن را برگرفته شده از کتب قبلی و تاریخی معرفی می کردند.

سوره انعام آیه ۲۵، سوره فرقان آیه ۵، سوره قلم آیه ۱۵، سوره نحل آیه ۲۴ از این دست آیات است.

۲. مخالفان قرآن و پیامبر وعده های قرآنی درباره زنده شدن مردگان در روز قیامت را وعده هایی می دانند که گذشتگان نیز آن را بیان کرده بودند ولی هیچ گاه این امر به

۱. گروهی از آنان به سخنان گوش می دهند، و ما [به کیفر لجابت و کفرشان] بر دل هایشان پوشش هایی قرار دادیم که آن را نفهمند، و در گوش هایشان سنگینی نهادیم [تا نشنوند]. و اگر همه نشانه های حق را ببینند باز هم به آن ایمان نمی آورند؛ تا آنجا که وقتی به محضرت می آیند با تو مجادله و ستیزه می کنند، کافران [از روی لجابت و عناد] می گویند: این [قرآن] جز افسانه های پیشینیان نیست.

۲. و گفتند: افسانه های مکتوب پیشینیان است که نوشتن [از روی] آنها را از نویسندگان درخواست کرده است و آن [نوشته] ها هر صبح و شام بر او خوانده می شود [تا حفظ کند و بر ما بخواند و بگوید: این وحی آسمانی است!!]

۳. هنگامی که آیات ما را بر او می خوانند، گوید: افسانه های پیشینیان است!

۴. و هنگامی که به آنان گویند: پروردگارتان چه چیزهایی نازل کرده؟ [می گویند: چیزی نازل نکرده، آنچه به عنوان قرآن در دسترس مردم است، همان] افسانه های [دروغین] پیشینیان است!!



وقوع نپیوسته است لذا نوشته های دروغ پیشینیان است. سوره احقاف آیه ۱۷، سوره نمل آیه ۶۸، سوره مؤمنون آیه ۸۳ از این نوع آیات است.

۳. معجزات و آیات و نشانه های الهی را وحی از سوی خداوند نمی دانستند و آن را نوشته های باقی مانده از گذشتگان بیان می کردند. سوره مطففین آیه ۱۳.

۴. آیات الهی را تکراری و رسیده شده از گذشته و امکان نوشتن آن ها را توسط هر شخص دیگری می دانند. سوره انفال، آیه ۳۱.

۱. و کسی که به پدر و مادرش گفت: اُف بر شما! [من از شما متنفر و دلتنگم]، آیا به من وعده می دهید که [پس از مرگ] زنده خواهم شد، در حالی که پیش از من اقوام بسیاری در گذشتند، [و هیچ کدام از آنان زنده نشدند]. و آن دو همواره [برای بازگشت فرزندشان] از خدا یاری می خواهند [و به فرزندشان می گویند]: وای بر تو ایمان بیاور، بی تردید وعده خدا [درباره سعادت و رستگاری مؤمنان در قیامت و شقاوت و بدبختی کافران] حق است. [ولی او در پاسخشان] می گوید: این [وعده ها] جز افسانه های گذشتگان نیست!!

۲. همانا پیش از این [زنده بیرون آمدن از خاک را] به ما و پدرانمان وعده داده اند، ولی این مطلب جز افسانه خرافی پیشینیان نیست!

۳. گفتند: [که] آیا زمانی که بمیریم و خاک و استخوان شویم حتماً برانگیخته می شویم؟ (۸۲) همانا این [برانگیخته شدن] را پیش از این به ما و پدرانمان وعده دادند [ولی] این جز افسانه خرافی پیشینیان نیست: (۸۳)

۴. [که] هرگاه آیات ما را بر او خوانند می گوید: افسانه های پیشینیان است.

۵. و هنگامی که آیات ما را بر آنان می خوانند، می گویند: البته شنیدیم [ولی این آیات، مطلب فوق العاده ای نیست] ما هم اگر بخواهیم مانند آن را می گوئیم، این آیات جز افسانه پیشینیان نیست!!



۵. کافران و مشرکان معتقد بودند که کلام قرآن نوشته های گذشتگان است که پیامبر آن ها را آموزش می دیده و حتی خیلی روشن می گفتند که پیامبر معلمانی دارد که صبح و شب قرآن را به او آموزش می دهند. در سوره فرقان آیه ۵ چنین آمده است:

« گفتند (افسانه های مکتوب) یا نوشته هایی است که از گذشتگان بوده است که حضرت رسول(ص) درخواست کرده و این نوشته ها را صبح و شب برای او می خوانند. »

۵. سحر و ساحری

از جمله تهمت ها و افتراهایی که ملحدان به پیامبران وارد می کردند این بود که آن ها را تحت تأثیر سحر و جادوگری می دانسته اند. اما وجود سحر و جادو و دخالت آن در زندگی انسان ها مورد تأیید هر دو گروه بوده است. یعنی هم مشرکان و کافران و هم پیامبران این مهم را تأیید می کردند. اما پیامبران به مبارزه بر علیه سحر و جادو قیام می کردند و کافران به یادگیری و اجرای آن در بین مردم روی می آوردند.

اصولاً سحر و جادو توسط شیطان و گروه جنیان فاسد انجام می شود و آن را به آدمیان می آموزند و انسان های تحت سلطه شیطان و جن، توانایی سحر و جادو را بدست می آورند. سحر و جادو کلاً برای انسان های شیطان صفت و جنیان و شیاطین، بهره مندی مادی از شهوات دنیا را پدید می آورد و نفس اماره انسان را ارضاء می نماید.

شیطان ها به انسان ها سحر و جادو می آموزند تا از این طریق زندگی آن ها را نابود کنند. اولین کانونی که به وسیله سحر و جادو مورد حمله قرار می گیرد، کانون خانواده است که بین زن و شوهر اختلاف ایجاد کرده و باعث جدایی آن ها از یکدیگر می شود و بدین ترتیب از تشکیل اجتماعی پاک جلوگیری به عمل می آورند و خسارت های فراوانی هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی به جامعه انسانی وارد می شود. در سوره بقره آیه ۱۰۲ قرآن پرده از این توطئه پیچیده برداشته است و در این آیه اعلام می شود که پیامبران پیروی از شیاطین نمی کنند بلکه به جنگ شیاطین می روند. بخصوص وقتی که شیاطین



به آموزش سحر و ساحری در بین مردم می پردازند، خداوند رسولانی را می فرستد تا با آموزش درست جلوی اثر سحر و جادوگری را بگیرند و انسان ها را از شر آن نجات دهند. به محتوای این آیه توجه فرمائید: « عده ای (یهودیان) از دانش جادوگری در زمان حضرت سلیمان (ع) پیروی کردند، ولی حضرت سلیمان (ع) به کفر روی نیاورد بلکه شیاطین پیروی کفر کردند و سحر و جادو را به مردم آموزش دادند. (سپس خداوند) دو فرشته به نام هاروت و ماروت را در شهر بابل فرستاد تا به مردم مبارزه با سحر و جادو را بیاموزند. (و به آن ها در باطل ساختن سحر و جادو کمک کنند) اما مردم که همان یهودیان بابل بودند) با آموزش این دانش به جای آن که به جنگ دشمنان جن و انس خود بپردازند به بهره مندی برای خود مشغول شدند و به جدا کردن زن و شوهرها از یکدیگر پرداختند و به ضرر و خسارت زدن به خود روی آوردند و ...

منع شدن استفاده از سحر و جادوگری در قرآن

آیاتی که در قرآن کریم در این رابطه نازل شده است بدین شرح است:

۱. سحر مردم را از راه خدا منحرف می کند. سوره مؤمنون آیه ۸۹.^۱
۲. منکران خداوند درباره گرایش خود به سحر و جادو باید به خدا پاسخگو باشند و خداوند از همه خواسته است که اسیر سحر و افسون نشوند. سوره مؤمنون آیه ۸۹.^۲
۳. سحر رستگاری نمی آورد. سوره یونس آیه ۷۷.^۳

^۱ . خواهند گفت: [این ویژگی ها] فقط برای خداست. بگو: پس چگونه [بازیچه] نیرنگ و افسون می شوید [و از راه خدا منحرفتان می کنند؟!]

^۲ . همان.

^۳ . موسی گفت: آیا درباره حق هنگامی که به سویتان آمد، می گوید: آیا این جادوست؟ [نه، این جادو نیست، اگر جادو بود پیروزی نداشت] زیرا جادوگران پیروز نمی شوند .



۴. سحر فساد است و خداوند عمل فاسدان را اصلاح نمی کند. سوره یونس آیه ۸۱.

۵. سحر باطل می شود. سوره یونس آیه ۸۱.

اتهاماتی که کافران و مشرکان به پیامبر در رابطه با سحر و جادوگری وارد می کنند:

الف - تمام کتب و سخنان و اقدامات و معجزات پیامبران را برگرفته از سحر و جادو عنوان می کنند.

۱. پیامبران را ساحر و معجزات آن ها را سحر می نامیدند. سوره ذاریات آیه ۵۲.
۲. حضرت موسی (ع) و معجزات او را ساحری و جادو می دانستند. سوره طه آیه ۵۷، سوره شعراء آیات ۳۴ و ۳۵، سوره قصص آیه ۳۶.

۱. پس هنگامی که افکندند، موسی گفت: آنچه را در این صحنه آوردید، جادو است؛ مسلماً خدا آن را به زودی باطل می کند، قطعاً خدا، کار مفسدان را [که برای تقویت طاغیان انجام می دهند] به سامان نمی آورد.

۲. همان.

۳. همچنین هیچ پیامبری بر کسانی که پیش از اینان بودند نیامد مگر اینکه گفتند: جادوگر یا دیوانه است!

۴. گفت: ای موسی! آیا به سوی ما آمده ای تا ما را به وسیله جادویت از سرزمینمان بیرون کنی؟

۵. فرعون به سران و اشراف پیرامونش گفت: یقیناً این جادوگری بسیار ماهر و داناست! (۳۴) می خواهد با جادویش شما را از سرزمینتان بیرون کند، پس شما چه نظر می دهید؟ (۳۵)

۶. پس هنگامی که موسی آیات روشن ما را برای آنان آورد، گفتند: این جز جادویی ساختگی و دروغین نیست، و ما این [ادعای نبوت و دعوت به توحید] را از پدران پیشین خود نشنیده ایم [که به ما گفته باشند کسی در میانشان به عنوان پیامبر و دعوت کننده به توحید آمده باشد!!]



سوره یونس آیه ۷۶، سوره ذاریات آیه ۳۹ و

۳. حضرت عیسی (ع) و معجزات او را سحر و ساحری قلمداد می کردند. سوره مائده آیه ۱۱۰ و

۴. حضرت هارون (ع) را نیز دستخوش استفاده از سحر و ساحری می دانستند. سوره طه آیه ۶۳.

۱. پس هنگامی که حق از نزد ما به سویشان آمد، گفتند: مسلماً این جادویی است آشکار.

۲. پس فرعون با سپاهیانش روی [از حق] گردانند و گفت: [این مرد] یا جادوگر است یا دیوانه!

۳. [یاد کنید] هنگامی که خدا فرمود: ای عیسی بن مریم! نعمتم را بر خود و بر مادرت یاد کن، آن گاه که تو را به وسیله روح القدس توانایی بخشیدم، که با مردم در گهواره [به اعجاز] و در میان سالی [به وحی] سخن گفتی، و آن گاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم، و هنگامی که به اذن من از گل، مجسمه ای به شکل پرنده می ساختی، پس در آن می دمیدی و به فرمان من پرنده ای زنده می شد، و کور مادر زاد و شخص پیس را به اذن من شفا می دادی، و زمانی که مردگان را به اجازه من [زنده از گور] بیرون می آوردی، و آن گاه که [شر و آسیب] بنی اسرائیل را هنگامی که برای آنان دلایل روشن آوردی از تو بازداشتیم، پس کسانی که از آنان کافر شدند، گفتند: این [دلایل و معجزات] جز افسونی آشکار نیست.

۴. گفتند: مسلماً این دو نفر جادوگرند، می خواهند شما را با جادویشان از سرزمینتان بیرون کنند و آیین برتر شما را از بین ببرند.



ب - هر نوع معجزه ای توسط کافران و مشرکان سحر دانسته می شده است. سوره قمر آیه ۲، سوره نمل آیه ۱۳، سوره صافات آیه ۱۴ و ۱۵.^۳

ج - هر نوشته یا کتابی که پیامبران بیان می داشتند سحر و جادو تلقی می شد. سوره انعام آیه ۷.^۴

د - بیان معاد و آمدن آن را که پیامبران وعده می دهند را قبول نمی کردند و آن را سحر و جادو می دانستند. سوره هود آیه ۷.^۵

۱. و اگر معجزه ای را ببینند، روی بگردانند و گویند: [این] جادویی همیشگی است!

۲. هنگامی که معجزات روشن ما به سویشان آمد، گفتند: این جادویی آشکار است (۱۳). و آنها را در حالی که باطنشان به الهی بودن آن معجزات یقین داشت، ستمکارانه و برتری جویانه انکار کردند. پس با تأمل بنگر که سرانجام مفسدان چگونه بود؟! (۱۴)

۳. و چون معجزه ای را می بینند به شدت مسخره می کنند [و دیگران را هم به مسخره وامی دارند]، (۱۴) و می گویند: این جز جادویی آشکار نیست. (۱۵)

۴. و اگر ما نوشته ای روی صفحه ای بر تو نازل کنیم که آنان آن را با دست خود لمس کنند، باز کفر پیشگان می گویند: این جز جادویی آشکار نیست!!

۵. و او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید، در حالی که تخت فرمانروایی اش بر آب [که زیربنای حیات است] قرار داشت، تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید؟ و اگر بگویید: [ای مردم!] شما یقیناً پس از مرگ برانگیخته می شوید، بی تردید کافران می گویند: این سخنان جز جادویی آشکار نیست.



هـ - آیات الهی را سحر می دانستند. سوره سباء آیه ۴۳ و سوره احقاف آیه ۲.۷

و - قرآن را سحری آشکار می دانند. سوره سباء آیه ۳.۴۳

ز - کلاً وحی را سحر و جادو می گفتند. سوره طور آیه ۴.۱۵

اتهاماتی که به پیامبران می زدند و آن ها را تحت تأثیر سحر و جادو می دانند:

موضوع دومی که در قرآن به آن اشاره شده این است که پیامبران به دلیل بیان کردن سخنان خداوند و انجام معجزات متهم می شوند که توسط دیگران جادو، سحر و طلسم شده اند که این گونه رفتار می کنند و سخن می گویند. از جمله این آیات در قرآن

۱. و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، می گویند: این نیست مگر مردی که می خواهد شما را از آنچه پدرانتان می پرستیدند، باز دارد. و می گویند: این قرآن جز دروغی ساختگی نیست. و کافران درباره حق، هنگامی که به سوشان آمد گفتند: این جز جادویی آشکار نیست !!

۲. و چون آیات روشن ما را بر آنان بخوانند، کافران درباره حقی که به سوشان آمده می گویند: این جادویی آشکار است .

۳. همان.

۴. آیا این آتش هم جادو است [چنانکه در دنیا وحی را جادو می پنداشتید] یا شما [این واقعیت آشکار را] نمی بینید [چنانکه در دنیا حقایق را نمی دیدید؟]



می توان از سوره شعراء آیات ۱۵۳ و ۱۸۵،^۱سوره فرقان آیه ۸،^۲سوره اسراء آیه ۴۷ و ... نام برد.

کافران قبول وحی و معجزات را نشانه سحر شدن خود می دانند.

سوره حجر آیه ۱۵؛^۳

کَلَّا هَرَّ غَاةً هَا إِلَىٰ سَوِيٍّ مُّسَوِيٍّ كَافِرَانَ مِی آید آن را سحر و جادو خطاب می کنند.

سوره احقاف آیه ۷.^۴

۶. تهمت های شعر و شاعری که به پیامبران وارد می شود

متأسفانه یکی از ناجوانمردانه ترین اتهاماتی که به پیامبران به ویژه حضرت رسول اکرم(ص) توسط منکران وارد شده است شاعر دانستن آن ها و کتاب شعر معرفی کردن کتب و سخنان آن ها است که از قدیم الایام تا به امروز مرسوم بوده است و ما در دوران حاضر شاهد رشد

^۱ . گفتند: جز این نیست که تو (حضرت صالح(ع)) از جادوشدگانی(۱۵۳) گفتند: جز این نیست که تو (حضرت شعیب(ع)) از جادوشدگانی(۱۸۵)

^۲ . یا [چرا] گنجی به سوی او افکنده نمی شود؟ یا باغی برای او نمی باشد که از [میوه های] آن بهره مند شود؟ و ستمکاران گفتند: [ای مردم!] شما جز مردی جادو شده را پیروی نمی کنید!!

^۳ . هنگامی که [وقت قرآن خواندن] به تو گوش می دهند، ما به هدفی که برای آن گوش می دهند داناتریم، و نیز هنگامی که رازگویی می کنند [به کارشان آگاه تریم] آن زمان که [آن] ستم گران [به یکدیگر] می گویند: شما [اگر از او پیروی کنید] جز از مردی جادو شده پیروی نمی کنید .

^۴ . باز خواهند گفت: یقیناً ما چشم بندی شده ایم، بلکه گروهی جادو شده هستیم.

^۵ . و چون آیات روشن ما را بر آنان بخوانند، کافران درباره حقی که به سویشان آمده می گویند: این جادویی آشکار است.



این تفکر در شبه روشنفکران هستیم که حضرت رسول (ص) را شاعری متوهم و کتاب او را کتاب شعر و موضوعات آن را نتیجه توهمات درونی حضرت می دانند که به صورت شعر عنوان شده است.

در سوره یس آیه ۶۹ خداوند بسیار روشن می فرماید: « به پیامبر شعر نیاموخته ایم و شعرگویی شایسته او نیست و کتاب او جز کلامی استوار و قرآنی روشنگر نیست. »

منکران می گفتند او دروغ گو بلکه شاعر است. سوره انبیاء آیه ۵.^۱

و می افزودند که شاعری است که ما منتظر حوادث تلخ و لحظه مرگ او هستیم. سوره طور آیه ۳۰ و ۳۱.^۲

کافران حتی حضرت رسول اکرم (ص) را شاعری دیوانه خطاب می کردند. سوره صافات آیه ۳۶.^۳

در پاسخ به این اتهامات خداوند می فرماید: پیامبر شاعر و خیال پرداز نیست زیرا شاعر خیال پرداز از گمراهان پیروی می کند. سوره شعراء آیه ۲۲۴.^۴

۱. [مشرکان] گفتند: [نه، قرآن سحر نیست] بلکه خواب هایی آشفته و پریشان است، [نه] بلکه آن را به دروغ بر یافته، [نه] بلکه او شاعر [خیال پردازی] است، [اگر فرستاده خدا ست] باید برای ما معجزه ای بیاورد مانند معجزه هایی که پیامبران گذشته را [با آنها] فرستادند .

۲. بلکه این سبک مغزاند که می گویند: او شاعری است که برای او حوادث تلخ روزگار و آمدن مرگش را انتظار می بردیم (۳۰) بگو: [هلاکت خود را] انتظار برید که من هم با شما از منتظرانم .

۳. و [همواره] می گفتند: آیا باید به خاطر شاعری دیوانه معبودان خود را رها کنیم؟!

۴. و [پیامبر، شاعر و خیال پرداز نیست، چون] شاعران [خیال پرداز] را [که حقایق را هجو می کنند، و با مطالب بی اساس به واقعیات می تازند] گمراهان، پیروی می کنند.



خداوند نیز قرآن را شعر نمی داند و می فرماید جز اندکی ایمان نمی آورند. سوره حاقه آیه ۴۱.

۷. اضغاث أحلام

موضوع دیگری که در کنار تهمت شعر و شاعر به پیامبر اکرم (ص) وارد کرده اند اضغاث احلام وحی و سخنان پیامبر بود. احلام جمع حلم به معنی خواب و رویا و اضغاث در لغت به معنی در هم آمیخته شدن دسته گیاهان خشک و تر است که در کنار احلام به معنی خواب های پریشان و غیر قابل تأویل است که بخشی از خواب برخواسته از توهمات فرد است که قابل فهم نیست که با بعضی از واقعیت ها مخلوط شده است. سخنان پیامبر را که برگرفته از وحی و دستورات خداوند کریم بود را خواب های درهم و برهم و آشفته خود رسول (ص) می دانستند. سوره انبیاء آیه ۵ به روشنی گویای این سخنان در کنار تهمت های دروغ سحر و ساحری و لقب شعر و شاعری و داشتن توهمات در حضرت رسول (ص) می باشد.

می فرماید: «گفتند بلکه خواب های آشفته و پریشان است. بلکه آن را به دروغ ساخته، بلکه او شاعری خیال پرداز است باید برای ما معجزه ای بیآورد مانند معجزه هایی که پیامبران گذشته داشته اند.»

۳. جن زدگی و دیوانگی

یکی از ناجوانمردانه ترین تهمت ها به پیامبران به ویژه حضرت رسول اکرم (ص) تهمت دیوانه بودن و مجنون بودن است. حضرت رسول (ص) روزی که به شهر طائف برای هدایت مردم رفتند، مشرکین، کودکان و جوانان را تحریک کردند که حضرت محمد (ص)

۱. و آن گفتار یک شاعر نیست، ولی جز اندکی ایمان نمی آورید.



را به عنوان دیوانه مورد تمسخر قرار دهند و او را با دهها سنگ مورد حمله قرار دادند به طوری که سر و دندان او را شکستند و خود حضرت رسول (ص) از آن روز به عنوان یکی از تلخ ترین روزهای زندگی خود نام برده است.

این افتراها از همان آغاز بعثت حضرت رسول (ص) در مکه توسط منکرین آغاز شد و مهم ترین فشاری که در آن ایام به وی وارد می شد لقب دیوانه بودن بود به طوری که در سوره قلم خداوند به قلم و آنچه که می نویسد قسم یاد می کند که ای رسول تو دیوانه نیستی. « سوگند به قلم و آنچه که می نویسد که به سبب نعمت و رحمت پروردگارت تو دیوانه و مجنون نیستی. » سوره قلم آیات ۲ و ۳.

در سوره تکویر آیه ۲۲ می فرماید: « رفیق و یار شما دیوانه و مجنون نیست. »

در این دو آیه خداوند هم به خود رسول (ص) و هم به مؤمنان همراه او تأکید می کند که او مجنون نیست.

کافران علت تهمت دیوانگی حضرت رسول (ص) را بیان قرآن از زبان حضرت رسول (ص) عنوان می کردند.

در سوره حجر آیه ۶ می فرماید: « گفتند ای کسی که قرآن یا ذکر بر او نازل شده قطعاً تو دیوانه و مجنون. »

مشرکان پیامبر را تعلیم یافته ای مجنون و دیوانه می دانستند و از او روی برمی گرداندند.

در سوره دخان آیه ۱۴ می فرماید: « آن گاه از او روی برگرداند و گفتند تعلیم یافته ای دیوانه است. »

دشمنی با قرآن و وحی و حضرت رسول (ص) به حدی زیاد بود که مشرکان با چشمانشان به آزار حضرت رسول (ص) می پرداختند.



قرآن کریم می فرماید: « کافران چون قرآن را شنیدند نزدیک بود که با چشمانشان تو را از پای در آورند و می گویند بی تردید او دیوانه و مجنون است در حالی که قرآن جز مایه تذکر و پند برای جهانیان نیست. » سوره قلم آیات ۵۲ و ۵۳.

پیامبر را جن زده ای می دانستند که آثار گزیدن جن در رفتار او هویدا است. در سوره قلم آیه ۹ می فرماید: « مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ » دیوانه ای که آثار گزند جن دارد.

همانطور که بیان گردید تهمت دیوانگی به تمام پیامبران دیگر نیز زده شده است.

سوره ذاریات آیه ۵۲ می فرماید: « همچنین هیچ پیامبری پیش از این نیامد مگر اینکه گفتند جادوگر دیوانه و مجنون است. »

فرعون حضرت موسی (ع) را دیوانه و جن زده معرفی می کرد. سوره شعراء آیه ۲۷، (سوره ذاریات آیه ۲۳۹)

اصولاً مشرکان در کنار تهمت جن زدگی و دیوانگی اتهامات دیگری را نیز به آن ها وارد می کردند مانند: ساحر دیوانه (سوره ذاریات آیات ۳۹ و ۵۲)^۱ - شاعر دیوانه (سوره صافات آیه ۳۶)^۲ - کاهن دیوانه (سوره طور آیه ۲۹)^۳ - معلم دیوانه (سوره دخان آیه ۱۴) و ...

۱. فرعون گفت: این پیامبران که به سوی شما فرستاده اند، حتماً مجنون است!

۲. پس فرعون با سپاهیانش روی [از حق] گرداندند و گفت: [این مرد] یا جادوگر است یا دیوانه!

۳. همان. همچنین هیچ پیامبری بر کسانی که پیش از اینان بودند نیامد مگر اینکه گفتند: جادوگر یا دیوانه است!

۴. و [همواره] می گفتند: آیا باید به خاطر شاعری دیوانه معبودان خود را رها کنیم؟!

۵. پس [مشرکان را] هشدار ده که تو به لطف و رحمت پروردگارت نه کاهنی نه دیوانه.

۶. آن گاه از او روی گرداندند و گفتند: تعلیم یافته ای دیوانه است!!



اما واقعیت این است که این مشرکان و کافران و منکران هستند که به وسیله جن و شیطان کنترل می شوند و روان و روح آنان در تسخیر شیطان قرار می گیرد. در قرآن کریم به طرز بسیار زیبایی این موضوع مطرح شده است.

سوره انعام آیه ۱۱۲ می فرماید: « و به این گونه برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم که برای فریب مردم همواره گفتاری باطل ولی به ظاهر آراسته و دل پسند را به یکدیگر وحی می کنند و اگر پروردگارت می خواست چنین نمی کردند پس آنان و آنچه را که دروغ به هم می بافتند را واگذار. »

۹. کاهن

کاهن برگرفته از واژه کوهن است که به معنی پیشوای مذهبی بلند پایه است و مترادف با مغان در زردشتیان یا بزرگان مذهبی مصر باستان و کشیش و خلیفه و ... می باشد. کار آن ها غیب گویی و آینده نگری و قربانی گرفتن برای خدایان و ... بوده است به طوری که مرجع دینی عصر خود محسوب می شدند.

منکران و مشرکان، هم حضرت رسول (ص) را کاهن می دانستند و هم پیام وحی را که او ابلاغ می نمود از جمله سخنان کاهنان می دانستند، نه سخن خداوند. خداوند در پاسخ به این دو اتهام در قرآن چنین آورده است:

سوره طور آیه ۲۹: « (ای رسول) مشرکان را هشدار ده که تو به لطف و رحمت پروردگارت نه کاهنی و نه دیوانه. »

همچنین در مورد وحی نیز در سوره الحاقه آیات ۴۰ الی ۴۳، قرآن را فرود آمده از سوی رب عالمین معرفی کرده و سخن کاهن بودن آن را رد می نماید. می فرماید:



« بی تردید این قرآن گفتار فرستاده ای بزرگوار است و آن گفتار یک شاعر نیست ولی جز اندکی ایمان نمی آورید و گفتار کاهن هم نیست و جز اندکی متذکر نمی شوید. نازل شده از سوی پروردگار عالمیان است. »

۱۰. مجادله

در مجمع البیان علامه طبرسی ذیل تفسیر آیه ۳۲ سوره هود می فرماید: جدال و مجادله به معنی مقابله با خصم است که او را از رأی خود منصرف کنند و جدال به معنی تابیدن شدید است و مطلوب از جدال آن است که طرف را از رأی خود برگرداند.

مجادله هم برای دفاع از باطل و حمله به حق صورت می گیرد و هم مؤمنان به وسیله آن از حق دفاع نموده و در سرکوب باطل از آن بهره مند می شوند. خداوند در سوره نساء آیه ۱۰۹ می فرماید: « از کسانی که به خود خیانت می کنند دفاع یا (مجادله) نکن. »

جدل به معنی شدت خصومت است. در قرآن جدل و مجادله بیشتر برای ناحق در برابر حق به کار برده شده است. ولی اصولاً انسان از سوی قرآن به عنوان کسی که در اکثر چیزها دست به جدل می زند معرفی می گردد، می فرماید: « و کان الانسان اکثر شیء جدلاً » سوره کهف آیه ۵۴.

آیات مجادله منکران با پیامبران در قرآن زیاد به چشم می خورد. سوره غافر آیه ۵.

۱. پیش از آنان قوم نوح و اقوامی که بعد از آنان بودند [پیامبرانشان را] تکذیب کردند، و هر امتی آهنگ پیامبر خود کردند تا او را دستگیر کنند [و از ابلاغ دین بازش دارند، یا از وطن بیرونش نمایند، یا او را بکشند] و با تو سل به باطل برای نابود کردن حق و از میان بردن آن مجادله و ستیزه کردند، پس من هم آنان را [به عذاب] گرفتم، پس [بنگر که] عذاب من چگونه بود.



کافران حضرت نوح(ع) را اهل مجادله معرفی می کردند. سوره هود آیه ۳۳.^۱
همچنین مجادله با دیگر پیامبران نیز صورت پذیرفته است.
قرآن مجادله مشرکان با پیامبران را نتیجه القا و وحی شیطان به مشرکان می داند. سوره
انعام آیه ۱۲۱.^۲
کلاً مواردی که منکران و مشرکان در آن ها به مجادله با پیامبران می پردازند به شرح ذیل
است:
الف - مشرکین برای اثبات خدایان و بت های خود به مجادله با پیامبران روی می آوردند.
سوره اعراف آیه ۷۱.^۳

-
۱. گفتند: ای نوح! با ما جدال و ستیزه کردی و بسیار هم جدال و ستیزه کردی، نهایتاً اگر از راستگویی آنچه را [از عذاب] به ما وعده می دهی، برایمان بیاور.
 ۲. از آنچه [هنگام ذبح شدن] نام خدا بر آن برده نشده نخورید؛ مسلماً خوردن آن فسق [و بیرون رفتن از عرصه طاعت خدا] است؛ قطعاً شیاطین [شبهات ناروایی را به ضد احکام خدا] به دوستانشان القاء می کنند تا با شما [درباره احکام خدا] مجادله و ستیزه کنند، و اگر از آنان پیروی کنید، یقیناً شما هم مشرکید.
 ۳. گفت: یقیناً از سوی پروردگارتان بر شما عذاب و خشمی مقرر شده، آیا درباره نام های [بی هویتی] که خود و پدرانتان بت ها را به آن نامیده اید، و خدا هیچ دلیل و برهانی بر [حقانیت] آنان نازل نکرده با من مجادله و ستیزه می کنید؟ پس منتظر [عذاب خدا] باشید و من هم با شما از منتظرانم.



ب - درباره رد و قبول نکردن خدا اقدام به مجادله می کنند. سوره لقمان آیه ۲۰، سوره حج آیه ۲۳ که قرآن بیان می دارد که منکران در مجادله ها هیچ استدلال یا علمی درست یا کتابی را ندارند. سوره رعد آیه ۱۳.

۱. آیا ندانسته اید که خدا آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است، مسخر و رام شما کرده، و نعمت های آشکار و نهانش را بر شما فراوان و کامل ارزانی داشته، و برخی از مردم اند که همواره بدون هیچ دانشی [بلکه از روی جهل و نادانی] و بدون هیچ هدایتی و هیچ کتاب روشنی درباره خدا مجادله و ستیز می کنند.

۲. و برخی از مردم اند که [همواره] بدون هیچ دانشی [بلکه از روی جهل و نادانی] درباره خدا [با اصرار بر یک اعتقاد بی پایه] برخورد خصمانه و گفتگوی ستیزآمیز می کنند، و از هر شیطان سرکشی پیروی می نمایند.

۳. و رعد، همراه با ستایش خدا تسبیح می گوید و فرشتگان نیز از بیمش [تسبیح می گویند]، و صاعقه ها را می فرستد و به و سیله آن به هر کس بخواهد آسیب می رساند، در حالی که اینان [با مشاهده این همه آثار قدرت که صادر شده از خدای یکتاست، باز هم] درباره خدا مجادله و ستیز می کنند در صورتی که خدا [دارای قدرتی بی نهایت و] سخت کیفر است.



ج - درباره رد نبوت پیامبران دست به مجادله می زنند. سوره هود آیه ۳۲، سوره غافر آیه ۵، سوره حج آیه ۶۸، سوره کهف آیه ۵۶.^۴

د - درباره کتب الهی درباره کتب الهی و آیات و نشانه های خداوند به مجادله روی می آورند. سوره غافر آیات ۴ و ۳۵ و ۵۶ و ۵۶۹.

۱. گفتند: ای نوح! با ما جدال و ستیزه کردی و بسیار هم جدال و ستیزه کردی، نهایتاً اگر از راستگویانی آنچه را [از عذاب] به ما وعده می دهی، برایمان بیاور.

۲. پیش از آنان قوم نوح و اقوامی که بعد از آنان بودند [پیامبرانشان را] تکذیب کردند، و هر امتی آهنگ پیامبر خود کردند تا او را دستگیر کنند [و از ابلاغ دین بازش دارند، یا از وطن بیرونش نمایند، یا او را بکشند] و با تو سل به باطل برای نابود کردن حق و از میان بردن آن مجادله و ستیزه کردند، پس من هم آنان را [به عذاب] گرفتم، پس [بنگر که] عذاب من چگونه بود.

۳. و اگر با تو [با اصرار بر یک اعتقاد بی پایه برخورد خصمانه کنند و] مجادله ستیزآمیز نمایند، بگو: خدا به آنچه انجام می دهید، داناتر است.

۴. و ما پیامبران را جز مژده ر سان و بیم دهنده نمی فرستیم، و آنان که کافرند به و سیله سخن باطل، ستیزه جویی و نزاع می کنند تا به وسیله آن حق را تباہ کنند! و آیات من و عذاب هایی که به آن بپوشان داده اند، به مسخره گرفتند.

۵. تنها کافران در آیات خدا مجادله و ستیزه می کنند [اینان را هیچ شأن و اعتباری نیست]؛ پس مبدا رفت و آمدشان در شهرها [به خاطر قدرت نمایی، تجارت و ثروتمند شدنشان] تو را بفریبید. (۴). کسانی که در آیات خدا بی آنکه دلیلی برای آنان آمده باشد، مجادله و ستیزه می کنند [این عمل زشتشان] نزد خدا و نزد اهل ایمان مایه دشمنی بزرگ است؛ این گونه خدا بر دل هر گردنکش زورگویی، مهر [تیره بختی] می نهد (۳۵). بی تردید آنان که در آیات خدا بی آنکه دلیلی برای آنان آمده باشد، مجادله و ستیزه می کنند و در سینه هایشان جز کبر و بزرگ نمایی نیست به آن [بزرگی و عزت و سلطنتی که در آرزوی آنهاست] نمی رسند؛ پس به خدا پناه ببر؛ زیرا او شنوا و بیناست. (۵۶). آیا کسانی را که در آیات خدا مجادله و ستیزه می کنند، ننگریستی که چگونه [از حق به باطل] برگردانده می شوند؟ (۶۹).



در کنار کفار و مشرکین، اهل کتاب نیز با حضرت رسول اکرم (ص) به مجادله می پرداختند که خداوند به حضرت رسول (ص) می فرماید: به بهترین شیوه با آنان مجادله کن. در سوره عنکبوت آیه ۴۶ می فرماید: « با اهل کتاب جز با نیکو ترین شیوه مجادله نکنید ... »

۱.۱. جَد و يَجْحَدون. انکار و منکرین

جدد در لغت به معنی به منتهای کوشش خود رسیدن است.

در کتاب قاموس قرآن جحدکنندگان را انسان هایی معرفی می کند که دانسته خود را انکار می کند و تسلیم نمی شود. انکار یعنی نپذیرفتن حق و مقابله با آن در عمل و کلام.

در سوره نمل آیه ۱۴ می فرماید: « جحد و انکار کردند آیات الهی را در حالی که باطن آن ها به الهی بودن آن آیات یقین داشت و با برتری جویی و ظلم انکار کردند ... »

جدد و مقابله کلامی منکران در موارد ذیل صورت می گیرد:

۱. انکار نعمت های خداوند. سوره نحل آیه ۷۱.

۲. انکار نشانه ها و معجزات که از سوی خدا برای رسولان آمده است. سوره انعام آیه ۳۳.

۱. خدا برخی از شما را در رزق و روزی بر برخی فزونی داده است؛ پس آنانکه فزونی یافته اند، حاضر نیستند از روزی خود [به صورتی قابل توجه و به اندازه لازم] به بردگان خود بپردازند که در بهره وری از رزق و روزی باهم برابر باشند؛ پس آیا [با این تبعیض ظالمانه ای که به بردگان و زیردستان خود روا می دارند] نعمت خدا را [که عطای اوست و خود اختیار و استقلالی در تأمینش ندارند] منکرند؟!

۲. آنچه را کافران و مشرکان [بر ضد قرآن و تو] می گویند می دانیم که تو را غمگین می کند. پس آنان تو را تکذیب نمی کنند، بلکه ستمکاران آیات خدا را تکذیب می نمایند.



۳. ظلم به آیات و نشانه های خداوند. سوره عنکبوت آیه ۱.۴۹
۴. فراموش کردن راه حق و کفر ورزیدن به آن. سوره عنکبوت آیه ۲.۴۷
۵. خیانت و کفر و پیمان شکنی. سوره لقمان آیه ۳.۳۲
۶. مسخره کردن آیات و رسولان. سوره احقاف آیه ۴.۲۶
۷. علو و برتری طلبی و ستم که فساد آن ها است. سوره نمل آیه ۵.۱۴

۱. بلکه این قرآن، آیات روشنی است در سینه کسانی که به آنان معرفت و دانش عطا شده است؛ و آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی کنند.

۲. و همان گونه [که بر پیامبران پیشین کتاب نازل کردیم] این کتاب را بر تو نازل نمودیم، پس [برخی از] کسانی که کتابشان دادیم به آن ایمان می آورند، و از اینان [هم که مشرک اند] اندکی به آن ایمان می آورند، و آیات ما را جز کافران انکار نمی کنند.

۳. و چون آنان را [در دریا] موجی [به دنبال موجی] مانند ابرهای سایه انداز فرو پوشد، خدا را در حالی که ایمان و عبادت را برای او [از هرگونه شرکی] خالص می کنند، می خوانند، و زمانی که آنان را به خشکی می رساند برخی از آنان به راه میانه و معتدل [که راه توحید است] می روند [و برخی پیمان می شکنند] و آیات ما را جز هر پیمان شکن خائن و کفر پیشه ای انکار نمی کند.

۴. همانا ما به آنان در اموری قدرت و تمکن داده بودیم که شما را در آن امور چنان قدرت و نیرویی نداده ایم، و برای آنان گوش و چشم و دل قرار داده بودیم، ولی گوش و چشم و دلشان چیزی از عذاب را از آنان برطرف نکرد؛ زیرا همواره [با داشتن آن ابزار تشخیص] آیات ما را انکار می کردند، و سرانجام عذابی که همواره آن را مسخره می کردند، آنان را احاطه کرد.

۵. و آنها را در حالی که باطنشان به الهی بودن آن معجزات یقین داشت، ستمکارانه و برتری جویانه انکار کردند. پس با تأمل بنگر که سرانجام مفسدان چگونه بود؟!



۸. عصیان بر علیه پیامبرشان. سوره هود آیه ۵۹.^۱
۹. انکار لقاء خداوند. سوره اعراف آیه ۵۱، سوره مؤمنون آیه ۷۴.^۳
۱۰. مخالفت با کتب الهی پیامبران. سوره عنکبوت آیه ۴۷.^۴
۱۱. غصه دار کردن حضرت رسول (ص) و تکذیب آن ها. سوره انعام آیه ۳۳.^۵
۱۲. افک و انحراف و بازگشت از حق. سوره غافر آیات ۶۲ و ۶۳.^۶
۱۳. جهالت و عدم شناخت باعث انکار و جحد می شود. سوره مؤمنون آیه ۶۹.^۷

۱. و اینان قوم عاد بودند که آیات پروردگارشان را انکار کردند، و از پیامبران او نافرمانی نمودند، و فرمان هر سرکش ستیزه جویی را پیروی کردند.
۲. آنان که دینشان را سرگرمی و بازی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفت، پس ما امروز از یاد می بریمشان، همان گونه که آنان دیدار امروزشان را از یاد بردند و همواره آیات ما را انکار می کردند.
۳. و بی تردید کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند از [این] راه منحرف اند....
۴. و همان گونه [که بر پیامبران پیشین کتاب نازل کردیم] این کتاب را بر تو نازل نمودیم، پس [برخی از] کسانی که کتابشان دادیم به آن ایمان می آورند، و از اینان [هم که مشرک اند] اندکی به آن ایمان می آورند، و آیات ما را جز کافران انکار نمی کنند
۵. آنچه را کافران و مشرکان [بر ضد قرآن و تو] می گویند می دانیم که تو را غمگین می کند. پس آنان تو را تکذیب نمی کنند، بلکه ستمکاران آیات خدا را تکذیب می نمایند.
۶. این است خدا پروردگار شما که آفریننده هر چیزی است، هیچ معبودی جز او نیست، پس چگونه [از حق] منصرفتان می کنند؟ (۶۲) این گونه [که شما منحرف می شوید] آنان که همواره آیات خدا را انکار می کردند، منحرف می شوند. (۶۳)
۷. یا مگر پیامبرشان را [از لحاظ حسب، نسب، درستی، امانت، اخلاق و کرامت] نشناخته اند که منکر او هستند؟....



۱۴. دوست نداشتن حق. سوره مؤمنون آیه ۷۰ و... .

۱۲. افک و افترا

تهمت و افترا از کهن ترین القابی است که کافرین در هر چیزی نسبت به پیامبران وارد می کردند.

افترا: به معنی دروغین - ساختگی - تهمت.

افک: چیزی است که از حقیقتش برگردانده شده باشد. ساخته دروغ - برگرداندن.^۲

در سوره سباء آیه ۴۳ می فرماید: «... می گویند این قرآن جز دروغی ساختگی نیست.»
در جواب این افترا خداوند می فرماید: «می گویند این قرآن را نزد خود ساخته بگو اگر راست می گویند شما هم ده سوره مانند آن بیاورید و هر کسی به غیر از خدا را نیز به یاری خود دعوت کنید.» سوره هود آیه ۱۳.

در سوره مؤمنون آیه ۳۸ می فرماید: «(کافران می گویند) او مردی است که بر خدا دروغ می بندد و ما به او ایمان نمی آوریم.»

سوره فرقان آیه ۴ می فرماید: «کافران می گویند این قرآن دروغی خود ساخته است سخن آن ها باطل و نسبتی ناحق است.»

۱. یا می گویند: نوعی دیوانگی در اوست؟ [چنین نیست که این یاوه گویان به هم می بافند] بلکه او حق را برای آنان آورده است، و بیشترشان حق را خوش ندارند.
۲. قاموس قرآن.



درباره دیگر پیامبران نیز همین افتراها زده شده است. سوره قصص آیه ۳۶، سوره فرقان آیه ۴، سوره احقاف آیات ۱۱ و ۲۲ و ... از این نوع آیات است.

۱۳. تکذیب کردن و دروغ انگاشتن

دروغ انگاشتن پیامبران، کتب آن‌ها، معجزات آن‌ها و وعده و وعیدهای خداوند که از زبان پیامبران اعلام شده از جمله تکذیب منکران است.

قرآن ریشه تکذیب کافران را از گذشتگان بسیار دور شاید هم زمان با ظهور پیامبران می‌داند. در سوره عنکبوت آیه ۱۸ می‌فرماید: «امت‌های پیش از حضرت ابراهیم (ع) نیز پیامبرانشان را تکذیب می‌کردند.»

۱. پس هنگامی که موسی آیات روشن ما را برای آنان آورد، گفتند: این جز جادویی ساختگی و دروغین نیست، و ما این [ادعای نبوت و دعوت به توحید] را از پدران پیشین خود نشنیده ایم [که به ما گفته باشند کسی در میانشان به عنوان پیامبر و دعوت کننده به توحید آمده باشد!!] [

۲. و کافران گفتند: این [قرآن] چیزی نیست جز دروغی که [پیامبر] آن را از پیش خود ساخته و دیگران او را بر ساختن آن یاری داده‌اند، بی‌تردید [با این نسبت ناروا] مرتکب ستمی سنگین و دروغی بزرگ [و تهمتی زشت] شده‌اند.

۳. و کافران درباره مؤمنان گفتند: اگر [آیین محمد] بهتر [از آیین ما] بود [آنان در پذیرفتنش] بر ما نسبت به آن پیشی نمی‌گرفتند [بلکه خود ما زودتر از آنان به این کتاب ایمان می‌آوردیم]. و چون [خودشان به خاطر کبر و عنادشان] به وسیله آن هدایت نیافتند، به زودی خواهند گفت: این یک دروغ قدیمی است. (۱۱) گفتند: آیا آمده‌ای تا ما را از [پرستش] معبودانمان بر گردانی، پس اگر راستگویی عذابی که ما را تهدید می‌کنی بیاور. (۲۲)



در سوره بروج آیات ۱۷ الی ۱۹ قوم ثمود و فرعون را اهل تکذیب معرفی می کنند. در سوره یس آیات ۱۴ و ۱۵^۲ چند تن از پیامبران در بعد از زمان حضرت عیسی (ع) مورد تکذیب قرار گرفته اند.

تکذیب کلی مشرکان پیرامون موارد ذیل است:

۱. تکذیب روز قیامت. سوره صافات آیه ۲۱.^۳
۲. تکذیب جهنم و بهشت و چشیدن جزاء و پاداش. سوره سجده آیه ۲۰ و ...
۳. تکذیب آیات الهی. سوره انعام آیات ۲۱ و ۳۳.^۵

۱. آیا خبر آن سپاهیان به تو رسیده است؟ (۱۷) [سپاهیان] فرعون و ثمود [که به سبب تکذیبشان به عذابی دردناک دچار شدند؛] (۱۸) [فقط آنان تکذیب گر نبودند] بلکه کافران [قوم تو] در تکذیبی سخت ترند (۱۹)

۲. زمانی که دو پیامبر را به سوی آنان فرستادیم، پس آن دو را انکار کردند و با پیامبر سومی آنان را تقویت کردیم، پس [همگی] گفتند: ما را به سوی شما فرستاده اند (۱۴) [اهل شهر] گفتند: شما جز بشرهایی مانند ما نیستید و [خدای] رحمان هیچ چیزی نازل نکرده است، شما فقط دروغ می گوید (۱۵)

۳. آری این همان روز جدایی [میان حق و باطل] است که همواره آن را انکار می کردید.

۴. اما کسانی که نافرمانی کرده اند اقامتگاهشان آتش است، هرگاه بخواهند از آن بیرون آیند در آن بازگردانده می شوند، و به آنان گویند: عذاب آتش را که همواره آن را تکذیب می کردید، بچشید.

۵. ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ بسته، یا آیات او را تکذیب کرده، کیست؟ یقیناً ستمکاران، رستگار نخواهند بود. (۲۱) آنچه را کافران و مشرکان [بر ضد قرآن و تو] می گویند می دانیم که تو را غمگین می کند. پس آنان تو را تکذیب نمی کنند، بلکه ستمکاران آیات خدا را تکذیب می نمایند. (۳۳)



۴. تکذیب یوم الدین. سوره انفطار آیه ۹.

۵. قرآن و نزول آن را تکذیب می کردند. سوره واقعه آیات ۷۷ الی ۸۲.

۶. نعمت های خداوند تکذیب می گردد. در سوره الرحمن مجموعه ای از نعمات الهی تکذیب می شود.

۷. معجزات تکذیب می شوند. سوره انعام آیه ۲۵.

۸. پیام دین مورد تکذیب قرار می گیرد. سوره مؤمنون ۴۵ الی ۴۸ و ...

۱. این چنین نیست [که سبب ارتکاب گناهانتان مغرور بودنتان به بزرگواری پروردگار باشد]، بلکه روز جزا را تکذیب می کنید [و با این تکذیب، راه گناه را به روی خود باز می نمایید]

۲. که یقیناً این قرآن، قرآنی است ارجمند و بارزش (۷۷) در کتابی مصون از هر گونه تحریف و دگرگونی [به نام لوح محفوظ جای دارد]. (۷۸) جز پاک شدگان [از هر نوع آلودگی] به [حقایق و اسرار و لطایف] آن دسترسی ندارند (۷۹) نازل شده از سوی پروردگار جهانیان است (۸۰) آیا شما نسبت به این گفتار سهل انگاری می کنید [و آن را قابل اعتنا نمی دانید؟!]. (۸۱) و فقط نصیب خود را این قرار می دهید که آن را انکار کنید؟! (۸۲)

۳. گروهی از آنان به سخنان گوش می دهند، و ما [به کیفر لجاجت و کفر شان] بر دل هایشان پوشش هایی قرار دادیم که آن را نفهمند، و در گوش هایشان سنگینی نهادیم [تا نشنوند]. و اگر همه نشانه های حق را ببینند باز هم به آن ایمان نمی آورند؛ تا آنجا که وقتی به محضرت می آیند با تو مجادله و ستیزه می کنند، کافران [از روی لجاجت و عناد] می گویند: این [قرآن] جز افسانه های پیشینیان نیست.

۴. سپس موسی و برادرش هارون را با معجزات و آیات خود و دلیلی روشن فرستادیم (۴۵) به سوی فرعون و سران و اشراف قومش، پس تکبر ورزیدند؛ و آنان قومی برتری جو بودند (۴۶) و گفتند: آیا به دو بشری که مانند خودمان هستند ایمان بیاوریم در حالی که قوم [و قبیله] آن دو بردگان ما هستند؟ (۴۷) در نتیجه هر دو را تکذیب کردند و از هلاک شدگان شدند. (۴۸)



حضرت رسول (ص) به طور روشن از سوی کفار کذاب و دروغگو خطاب شده است. در سوره قمر آیه ۲۵ حضرت را دروغگویی که پر افاده است می نامند، کَذَّابُ الْأَشْرِ.

۱۴. پیامبران را مخالف دین پدران خود می دانستند

یکی از دلایل اصلی مخالفت با پیامبران عظیم الشان تفکر جاهلانه ای بود که هر قومی به آن توجه می کرد و آن وجه تمایز بین آئین دینداری پیامبر جدید با باورهای آباء و اجداد خودشان بود. اگر هر رسم و سنت باطلی در گذشتگان یا فرهنگ جاهلی وجود داشت توقع داشتند که پیامبران آن را به رسمیت بشناسند. اصولاً یکی از دلایل بعثت پیامبران براندازی همین رسم و رسوم های فاسد و ظالمانه و جاهلانه بوده است و این پیامبران بزرگوار در دوران بعثت خود به شدت متهم می شدند که دین آبا و اجدادی و سنت و فرهنگ آن ها را نادیده گرفته اند.

قرآن می فرماید: وقتی که حضرت ابراهیم (ع) به رشد رسید از پدر مشرک و قوم خود خواست تا از بت هایی که می پرستیدند دست بردارند اما آن ها در جواب گفتند: « ما پدرانمان را پرستش کنندگان آن بت ها یافته ایم و به پیروی از پدران خود آن ها را می پرستیم. » اما حضرت ابراهیم (ع) در جواب آن ها می فرمود: « به یقین شما و پدران شما در ضلالتی آشکار قرار دارید. » سوره انبیاء آیات ۵۱ و ۵۴.

قوم حضرت ابراهیم (ع) در پاسخ به حضرت گفتند: « آیا تو حق را برای ما آوردی یا ما را به بازی گرفته ای؟ » (لاعبین). سوره انبیاء آیه ۵۵.

۱. آیا از میان ما فقط بر او وحی نازل شده است؟! [نه، چنین نیست] بلکه او بسیار دروغگو و پر افاده و متکبر است [که می خواهد بر ما بزرگی کند].



لاعب در لغت به معنی بازیگر که از لعب یعنی شوخی، مزاح، بازی، بازیگری و ... گرفته شده است.

بدین ترتیب منکران هدایت، پیامبران را به بازی گرفتن فرهنگ و سنت و عبادت پدران خود معرفی می کردند.

کافران خیلی روشن و سریع به پیامبران می گفتند ما از آئین و فرهنگ پدرانمان پیروی می کنیم. قرآن می فرماید: « هنگامی که به (مشرکان و کافران) گویند از آنچه که خداوند نازل کرده است پیروی کنید ، می گویند نه بلکه از فرهنگی که پدرانمان را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم ... » سوره بقره آیه ۱۷۰.

در قرآن کریم سردمداران فرهنگ جاهلی را مترفان هر زمان معرفی می کنند. مترفان ثروتمندان عیاش و خوشگذرانی هستند که همیشه با پیامبران به مبارزه برمی خواسته اند. در سوره زخرف آیات ۲۳ و ۲۴ می فرماید: « ما قبل از تو هیچ رسولی را نفرستادیم مگر آن که سران خوشگذران (مترفین) گفتند ما پدرانمان را بر فرهنگی یافتیم که به آثار آن ها اقتداء می کنیم. » با آن که پیامبران می گفتند که آئین خدایی هدایت کننده تر از فرهنگ آباء و اجداد شماست اما همگی می گفتند ما به هر چه که شما بگوئید کافر هستیم. «

مشرکین اعمال پر از فحشاء خود را نیز به آبا و اجداد خود نسبت می دادند و به دلیل آن که آن ها فحشاء انجام می دادند اجرای فحشاء را گناه نمی دانستند. سوره اعراف آیه ۲۸ گویای این مطلب است.^۱

۱ . چون کار زشتی مرتکب می شوند، می گویند: پدرانمان را بر آن [کار] یافتیم و خدا ما را به آن فرمان داده. بگو: یقیناً خدا به کار زشت فرمان نمی دهد، آیا چیزی را که نمی دانید [از روی جهل و نادانی] به خدا نسبت می دهید؟



ساحران و قوم فرعون خیلی شفاف به حضرت موسی (ع) و حضرت هارون (ع) گفتند که شما دو تن برای نابود کردن فرهنگ پدرانمان آمده اید. سوره یونس آیه ۷۸.^۱

در قرآن اشاره به این است که اجرای احکام و حدود آن ها در فرهنگ شرک برگرفته از فرهنگ آباء و اجداد امت ها بوده. وقتی که پیامبری با آن احکام باطل مخالفت می کرده مورد حمله مشرکین قرار می گرفته. سوره مائده آیه ۱۰۳ و ۱۰۴^۲ گویای این سخن است.

همچنین نوع پرستش بتان خود را از پدرانشان تقلید می کردند. سوره شعراء آیه ۷۳ و ۷۴.^۳

۱. گفتند: آیا به سوی ما آمده ای تا ما را از آیینی که پدرانمان را بر آن یافته ایم، برگردانی و [با نابود کردن ما] قدرت و حکومت در این سرزمین برای شما دو نفر باشد؟ و ما به شما دو نفر ایمان نمی آوریم!

۲. خدا هیچ حیوانی را به عنوان بحیره [ماده شتری که پنجمین حمل مادر خود باشد] و سائبه [شتری که ده ماده زاییده] و وصیله [گوسفند ماده ای که همزاد با بره نر است] و حام [شتر نری که ده شتر از او پدید آمده]، مقدس و ممنوع از تصرف قرار نداده است. ولی کسانی که کفر ورزیده اند [این امور را] بر خدا دروغ می بندند و بیشتر شان اندیشه نمی کنند (۱۰۳) و هنگامی که به آنان گویند: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر آید، گویند: روش و آیینی که پدرانمان را بر آن یافته ایم، ما را بس است. آیا هر چند پدرانمان چیزی نمی دانستند و هدایت نیافته اند. (۱۰۴)

۳. و آنان که وقتی به آیات پروردگارشان پندشان دهند، در برابر آن با حالت کوری و کوری نمی افتند، بلکه با گوش شنوا و چشم بصیرت به آن دل می دهند. (۷۳) و آنان که می گویند: پروردگارا! ما را از سوی همسران و فرزندانمان خوشدلی و خوشحالی بخش، و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده. (۷۴)



در هر صورت شعار مبارزه با پیامبران توسط مترفین، کفار، مشرکین و منکرین راه خداوند، معرفی پیامبران به عنوان نابودکننده دین و آئین اجدادی مردم بوده است. سوره سباء آیه ۱۴۳

۱۵. تهمت خسارت خوردن از دست پیامبران

یکی از تهمت های مستمر به پیامبران و پیروان آن ها آسیب خوردن و خسارت دیدن در صورت گرایش به آن ها است. مترفین و ثروتمندان با بیان عادی بودن حال و هوای پیامبران بدین معنی که آن ها اهل خوردن و خوابیدن و راه رفتن در بازارها هستند و آن ها نیز به زندگی دنیا نیازمند هستند مردم را نسبت به آن ها به شک و تردید می انداختند، می گفتند آن ها بشری مثل ما هستند و اگر کسی از بشری مثل خودش پیروی کند باعث خسارت سنگین به خودش می شود. سوره مؤمنون آیات ۳۳ و ۳۴ بیانگر این موضوع است.

در سوره اعراف آیه ۹۰ قرآن می فرماید: « اشراف و سران قوم شعیب به قومشان می گفتند که اگر از شعیب پیروی کنید مسلماً شما هم زیانکارانید. »

۱۶. تهمت از دست دادن اموال یا کنترل آن در صورت قبول سخنان رسولان

این باور در قرآن کریم بیشتر درباره قوم شعیب که مردمانی مال دوست بودند بیان گردیده است. آن ها راه های حرام مانند کم فروشی و عدم عدالت در خرید و فروش کالا داشتند. پیامبرشان حضرت شعیب(ع) آن ها را به عدالت اقتصادی دعوت کرد و از آن ها خواست به خیر و برکت کار و مال توجه نمایند اما قوم او گفتند که او می خواهد تصرف ما بر

۱. و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، می گویند: این نیست مگر مردی که می خواهد شما را از آنچه پدرانتان می پرستیدند، باز دارد. و می گویند: این قرآن جز دروغی ساختگی نیست. و کافران درباره حق، هنگامی که به سویشان آمد گفتند: این جز جادویی آشکار نیست !!



اموالمان را از ما بگیرد. (نَفَعَلْ فِي أَمْوَالِنَا) سوره هود آیات ۸۴ الی ۸۷. ^۱ و کلاً به حضرت شعیب (ع) گفتند ما به هیچ وجه سخنان تو را نمی فهمیم و تو را ضعیف و ناتوان می بینیم و اگر قوم عشیره ات نبود تو را سنگسار می کردیم. سوره هود آیه ۹۱.^۲

۱۷. تهمت عدم توانایی در تغییر قرآن به حضرت رسول (ص)

در سوره یونس آیه ۱۵ چنین آمده است: « هنگامی که آیات روشنگر ما برای آن ها تلاوت می شود کسانی که ایمان به لقاء و بازگشت به سوی خداوند ندارند می گویند قرآنی غیر این قرآن برای ما بیاور و آن را تغییر ده بگو مرا نرسد که آن را از نزد خود تغییر دهیم. من جز از آن چه که به من وحی می شود پیروی نمی کنم و اگر پروردگارم را پیروی کنم از

۱. و به سوی [مردم] مدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم]. گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، شما را جز او هیچ معبودی نیست؛ و از پیمانۀ و ترازو مکاهدید، همانا من شما را در توانگری و نعمت [ی که بی نیاز کننده از کم فروشی است] می بینم و بر شما از عذاب روزی فراگیر بیمناکم (۸۴) و ای قوم من، پیمانۀ و ترازو را عادلانه [و منصفانه] کامل و تمام بدهید، و اجناس مردم را [هنگام خریدن] کم شمارتر و کم ارزش تر [از آنچه که هست] به حساب بیاورید و در زمین تبهکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید (۸۵) آنچه خدا [در کسب و کارتان از سود و بهره پس از پرداخت حق مردم] باقی می گذارد، برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید، و من بر شما نگهبان نیستم (۸۶) گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می دهد که آنچه را پدرانمان می پرستیدند رها کنیم؟ یا از اینکه در اموالمان به هر کیفیتی که می خواهیم تصرف کنیم دست برداریم؟ به راستی که تو [انسانی] بردبار و راه یافته ای [پس چرا می خواهی در برابر آزادی ما نسبت به بت پرستی و هزینه کردن اموالمان به هر کیفیتی که بخواهیم بایستی؟! (۸۷)]

۲. گفتند: ای شعیب! بسیاری از مطالبی که می گویی نمی فهمیم، و به راستی تو را در [مقایسه با] خود، ناتوان و ضعیف می بینیم، و اگر عشیره ات نبودند، بی تردید سنگسارت می کردیم، و تو بر ما پیروز نیستی.



عذاب روز بزرگ می ترسم. « از آیات دیگری از این دست می توان از سوره رعد آیه ۷، سوره انبیاء آیه ۵ و سوره قصص آیه ۴۸ نام برد. درباره پیامبران دیگر نیز تغییر معجزات آن ها را خواستار بودند.

۱۸. نهی از توجه به قرآن و سخنان حضرت رسول (ص)

ایشان هم خود چنین می کردند و هم برای دیگران آن را اجرا می نمودند. سوره انعام آیه ۲۶ می فرماید: « آنان دیگران را باز می دارند و خود نیز از آن دور می شوند ... »

۱۹. تحقیر پیامبر و روی برگرداندن از آن ها با نخوت و تکبر

در سوره لقمان آیه ۷ می فرماید: « چون آیات ما بر او خوانده شود متکبرانه روی بر می گرداند (وَلَّى مُسْتَكْبِرًا) گویی آن ها را نشنیده است ... »

۱. و کافران می گویند: چرا از سوی پروردگارش معجزه ای [غیر قرآن] بر او نازل نشده؟ تو فقط بیم دهنده ای [نه اعجاز کننده ای که هر زمان هر کس و برای هر هدفی غیر منطقی بخواهد، دست به اعجاز بزنی] و برای هر قومی هدایت کننده ای است.

۲. [مشرکان] گفتند: [نه، قرآن سحر نیست] بلکه خواب هایی آشفته و پریشان است، [نه] بلکه آن را به دروغ برافته، [نه] بلکه او شاعر [خیال پردازی] است، [اگر فرستاده خداست] باید برای ما معجزه ای بیاورد مانند معجزه هایی که پیامبران گذشته را [با آنها] فرستادند.

۳. پس هنگامی که حق [چون قرآن و پیامبر] از سوی ما برای آنان آمد [به جای آنکه بپذیرند] گفتند: چرا مانند آنچه به موسی دادند به او نداده اند؟ آیا پیش از این به آنچه به موسی داده شد، کفر نورزیدند؟! گفتند: [این تورات و قرآن] دو جادویند که پشتیبان یکدیگرند!! و گفتند: ما منکر هر دو هستیم!!



۲۰. انسان عادی بودن پیامبران

یکی از حملات منکرین به پیامبران، طرح عادی بودن پیامبران و شبیه دیگر آدمیان بودن ایشان است. آن‌ها برای مردم عوام توضیح می‌دادند که هیچ فرقی در ظاهر پیامبران با دیگران نیست. آن‌ها راه می‌روند، غذا می‌خورند، می‌خوابند، خشم می‌گیرند، سکوت می‌کنند و ... مانند همه دست و پا و گوش و دهان دارند و ... آن‌ها به مردم القاء می‌کردند اگر آن‌ها پیامبران واقعی باشند باید ویژگی‌هایی غیر از انسان‌ها داشته باشند مثلاً فرشته باشند یا ابزارهای خاصی در اختیار داشته باشند و ...

سوره فرقان آیات ۷ و ۸ می‌فرماید: «گفتند این چه پیامبری است که غذا می‌خورد در بازارها راه می‌رود چرا فرشته‌ای به سوی او نازل نشده که همراه او بیم دهنده باشد چرا گنجی به سوی او افکنده نمی‌شود یا باغی برای او نمی‌باشد که از میوه‌های آن بهره‌مند شود و ظالمان گفتند ای مردم شما از مردی که سحر شده است تبعیت می‌کنید.» سوره مؤمنون آیات ۲۴ و ۳۳^۱ نیز در این باره نازل شده است.

خداوند با تأیید کردن وجه مادی پیامبران و بیان این که آن‌ها بشری مانند دیگر بشرها هستند این شرایط را برای آزمایش مردم معرفی می‌کند. در همین سوره فرقان آیه ۲۰ می‌فرماید: «ای پیامبر ما قبل از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر این که هم غذا

۱. پس سران و اشراف قومش که کافر بودند، گفتند: این جز بشری مانند شما نیست که می‌خواهد بر شما برتری جوید، و اگر خدا می‌خواست [پیامبری بفرستد] قطعاً فرشتگانی [را به پیامبری] می‌فرستاد، ما این [سخنانی] را [که نوح می‌گوید] میان پدران پیشین خود نشنیده ایم. (۲۴) و از سران و اشراف قومش که کافر بودند و دیدار آخرت را تکذیب می‌کردند، و آنان را در زندگی دنیا از وسایل و ابزار مادی فراوانی برخوردار کرده بودیم، گفتند: این جز بشری مانند شما نیست که از آنچه شما می‌خورید می‌خورد، و از آنچه شما می‌آشامید می‌آشامد. (۳۳)



می خوردند هم در بازارها راه می رفتند و ما برخی از شما را آزمایش برخی دیگر قرار داده ایم و ... « می توانید به سوره انبیاء آیه ۸^۱ نیز رجوع کنید.

۲۱. حمله به قرآن نازل شده به وسیله وحی و حضرت رسول (ص)

یکی از مهم ترین حملات منکرین پیامبران، حمله به معجزات آن ها و بی ارزش دانستن آن بوده است و در مورد حضرت رسول اکرم (ص) به دلیل این که قرآن و وحی معجزه ایشان بوده است از همه سو به آن حمله کرده اند که بعضی از آن ها به شرح ذیل است:

الف - قرآن کتابی است، باطل است و قابل رجوع نیست. سوره لقمان آیات ۶ و ۷.^۲

ب - کفر ورزیدن به قرآن. سوره احقاف آیه ۱۰.^۳

ج - چرا قرآن یکباره نازل نشده است. سوره فرقان آیه ۳۳.^۴

۱. و آنان را جسدهایی که غذا نخورند قرار ندادیم، و جاویدان هم نبودند [که از دنیا نروند].
۲. و برخی از مردم اند که افسانه های بیهوده و سخنان یاهو و سرگرم کننده را می خردند تا از روی نادانی و بی دانشی [مردم را] از راه خدا گمراه کنند و آن را به مسخره بگیرند؛ اینانند که برای آنان غذایی خوارکننده خواهد بود (۶) چون آیات ما بر او خوانده شود متکبرانه روی برمی گرداند، گویی آنها را نشنیده است، انگار در دو گوشش سنگینی است، پس او را به غذایی دردناک مژده ده (۷)
۳. بگو: به من خبر دهید که اگر این قرآن از ناحیه خدا باشد و شما به آن کفر ورزیده باشید و شاهدی هم از بنی اسرائیل به نظیر آن [که تورات واقعی و تصدیق کننده قرآن است] شهادت داده باشد [که همان طوری که تورات وحی خداست، قرآن هم وحی خداست و] پس [از شهادتش به قرآن] ایمان آورده باشد و شما از ایمان به آن تکبر ورزیده باشید [آیا گمراه نبوده اید؟] بی تردید خدا گروه ستمکار را هدایت نمی کند.

۴. و کافران گفتند: چرا قرآن یک باره بر او نازل نشد؟ این گونه [قرآن را به تدریج نازل می کنیم] تا قلب تو را به آن استوار سازیم، و آن را بر تو با مهلت و آرامی خواندیم.



د - معجزه نبودن قرآن و امکان نوشتن توسط افراد دیگر که در خود قرآن خداوند منکرین را دعوت به آوردن کتابی شبیه آن یا ده سوره آن یا یک سوره شبیه آن دعوت نموده است. سوره بقره آیه ۲۳ و ... گویای این مهم است.

منکرین به همه پیامبران می گفتند که اگر خدا می خواست ما را هدایت کند فرشته ای را برای ما می فرستاد و ما به رسالت (معجزات) آنها کافر هستیم. سوره فصلت آیه ۱۴ و ...

۲۲. مبارزات اهل کتاب و تهمت های آن ها به حضرت رسول اکرم(ص)

دشمن ترین مردمان در حق حضرت رسول(ص) بخشی از جاهلان و متکبرین اهل کتاب بوده اند. بعضی از ویژگی های اهل کتاب در قرآن به شرح ذیل است:

الف - پنهان کردن حق. در سوره بقره آیه ۱۴۶ می فرماید: « اهل کتاب حضرت رسول(ص) را مانند پسرانشان می شناسند ولی گروهی از آن ها آگاهانه حق را پنهان می کنند.

ب - مجادله به ناحق با پیامبر(ص). سوره آل عمران آیات ۶۵ و ۶۶ می فرماید: « اهل کتاب درباره آنچه که می دانند درست است، مجادله می کنند. »

۱. و اگر در آنچه ما بر بنده خود {محمد(ص)} نازل کرده ایم، شک دارید [که وحی الهی است یا ساخته بشر] پس سوره ای مانند آن رابیاورید، و [برای این کار] غیر از خدا، شاهدان و گواهان خود را [از فصحا و بلغای بزرگ عرب به یاری] فرا خوانید، اگر [در گفتار خود که این قرآن ساخته بشر است نه وحی الهی] راستگویید .

۲. هنگامی که پیامبران از پیش رو و پشت سرشان به سوی آنان آمدند [و گفتند:] که جز خدا را نپرستید. گفتند: اگر پروردگار ما می خواست [که ما مؤمن شویم و او را پرستیم] فرشتگانی نازل می کرد [تا دعوتش را به ما ابلاغ کنند]؛ بنابراین ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید، کافریم.



ج - اعراض و روی برگرداندن از حضرت رسول (ص) و قرآن در سوره آل عمران آیه ۳۳ می فرماید: « آیا به کسانی که بهره ای اندک از کتاب (تورات و انجیل) به آنان داده شده ننگریستی که به سوی کتاب خدا (قرآن) خوانده می شوند تا در میان آنان داوری کند سپس گروهی از آنان در حالی که اعراض کننده اند روی می گردانند. »

د - غلو درباره دین خود. سوره مائده آیه ۷۷ آن ها را اهل غلو معرفی می کند، همچنین سوره نساء آیه ۱۷۱.^۲

هـ - مخفی کردن و پنهان نمودن کتاب خود از کارهای زشت اهل کتاب است. سوره مائده آیه ۱۵،^۳ سوره بقره آیه ۱۴۰.^۴

۱. بگو: ای اهل کتاب! به ناحق در دینتان غلو نکنید، و از امیال و هوس های گروهی که یقیناً پیش از این گمراه شدند و بسیاری را گمراه کردند و از راه راست دور شدند، پیروی نکنید.

۲. ای اهل کتاب! در دین خود غلو [و افراط] نوزید، [و از چهارچوب آیات نازل شده از سوی خدا و آنچه پیامبران به شما آموخته اند، خارج نشوید] و نسبت به خدا جز حق مگویید. جز این نیست که مسیح عیسی بن مریم فرستاده خدا و کلمه او ست که به مریم القا کرد و [این بنده پاک و خالص] روحی از سوی او ست؛ پس به خدا و فرستادگانش ایمان آورید، و مگویید: [خدا] ترکیبی از سه حقیقت [آب، این و روح القدس] است. [از این عقیده باطل] خودداری کنید که به خیر شماست. جز این نیست که خدا معبودی یگانه است. منزّه و پاک است از اینکه فرزندی برای او باشد. آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی او ست، و خدا از نظر کار سازی [همه امور آفرینش] کافی است.

۳. ای اهل کتاب! یقیناً پیامبر ما به سوی شما آمد که بسیاری از آنچه را که شما از کتاب [تورات و انجیل] درباره نشانه های او و قرآن [همواره پنهان می داشتید برای شما بیان می کند، و از بسیاری [از پنهان کاری های ناروای شما هم] درمی گذرد. بی تردید از سوی خدا برای شما نور و کتابی رو شنگر آمده است.

۴. آیا می گوئید: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوت] آنان یهودی یا نصرانی بودند؟! بگو: شما داناترید یا خدا؟! [شما به یقین می دانید که آنان یهودی و نصرانی نبودند، پس



ز - حضرت رسول (ص) را بشیر و نذیر نمی دانستند. سوره مائده آیه ۱۹.^۱

ح - عیب جویی از مؤمنان و حضرت رسول (ص). سوره مائده آیه ۵۹.^۲

ط - دروغ و افترا. سوره انعام آیات ۲۰ و ۲۱ و ۳۳.^۳

ی - پوشاندن لباس باطل بر حق. سوره آل عمران آیه ۷۱.^۴

چرا واقعیت را پنهان می دارید؟! و ستمکارتر از کسی که شهادتی را که از خدا نزد او ست پنهان کند، کیست؟ و خدا از آنچه انجام می دهید، بی خبر نیست.

۱. ای اهل کتاب! بی تردید رسول ما پس از روزگار فترت و خلأ پیامبران به سوی شما آمد [و آنچه را مورد نیاز دنیا و آخرت شماست] برای شما بیان می کند که [روز قیامت در پیشگاه خدا] نگوئید: برای ما هیچ مژده دهنده و بیم رسانی نیامد، یقیناً مژده دهنده و بیم رسان به سویتان آمد؛ و خدا بر هر کاری تواناست.

۲. بگو: ای اهل کتاب! آیا جز این را بر ما عیب می گیرید که ما به خدا و آنچه از سوی او بر ما نازل شده و آنچه پیش از ما [بر پیامبران] فرود آمده ایمان آورده ایم؟! و این [عیب جویی شما به سبب این است] که بیشتر شما فاسق هستید .

۳. کسانی که به آنان کتاب آسمانی دادیم، همان گونه که پسرانشان را می شناسند [بر اساس اوصافی که در کتاب هایشان بیان شده] پیامبر را می شنا سندن؛ فقط کسانی که سرمایه وجود شان را تباه کردند، ایمان نمی آورند (۲۰) ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ بسته، یا آیات او را تکذیب کرده، کیست؟ یقیناً ستمکاران، رستگار نخواهند بو. (۲۱) آنچه را کافران و مشرکان [بر ضد قرآن و تو] می گویند می دانیم که تو را غمگین می کند. پس آنان تو را تکذیب نمی کنند، بلکه ستمکاران آیات خدا را تکذیب می نمایند. (۳۳)

۴. ای اهل کتاب! چرا در حالی که [به حقایق و واقعیات] آگاهید، حق را به باطل مُشْتَبِه می کنید، و حق را پنهان می دارید [تا مردم گمراه بمانند؟!]



ک - کفر به آیات الهی. سوره آل عمران آیه ۹۸.^۱

ل - صد عن سبیل ... کردن در راه مؤمنان و گمراه کردن آن ها. سوره آل عمران آیه ۹۹.^۲

ن - شرک و چند خدایی کردن دین. سوره مائده آیات ۷۲ و ۷۳.^۳

ص - حزب و گروه تشکیل دادند و با تشکیل آن در برابر حضرت رسول (ص) ایستادند و به حزب فاسد خود خشنود بودند و در آن بخشی از سخنان پیامبران خود را می پذیرفتند و بعضی را رد می کردند و دینشان را فرقه فرقه می کردند. سوره مؤمنون آیات ۵۳ و ۵۴.^۴

۱. بگو: ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می ورزید؟ در حالی که خدا بر آنچه انجام می دهید، گواه است.

۲. بگو: ای اهل کتاب! چرا کسانی را که ایمان آورده اند از راه خدا در حالی که خواهان کج نشان دادن آن هستید باز می دارید؟ با اینکه شما [به مستقیم بودن و حقانیتش] گواهیید، و خدا از آنچه انجام می دهید بی خبر نیست.

۳. آنان که گفتند: خدا همان مسیح، فرزند مریم است، بی تردید کافر شدند؛ و حال آنکه مسیح گفت: ای بنی اسرائیل! خدای یکتا را که پروردگار من و پروردگار شماست پرستید، مسلماً هر کس به خدا شرک ورزد، بی تردید خدا بهشت را بر او حرام کند، و جایگاهش آتش است، و برای ستمکاران هیچ یآوری نیست (۷۲) آنان که گفتند: خدا یکی از [این] سه تاست [پدر، پسر، روح] یقیناً کافر شدند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست. و اگر از آنچه می گویند باز نایستند، قطعاً به کسانی از آنان که [به سبب چنین اعتقادی] کافر شدند، عذابی دردناک خواهد رسید. (۷۳)

۴. پس کار [آیین] خود را میان خویش قطعه قطعه کردند [و گروه گروه شدند]، در حالی که هر گروهی به آن [آیینی] که نزد آنان است خوشحال و شادمانند [که آیینشان بر حق است]. [۵۳] پس آنان را در غرقاب گمراهی و جهالتشان تا هنگامی [که مرگشان فرا رسد] واگذار. (۵۴)



۲۳. قتل پیامبران

پیامبران در تمام دوران پیامبری خود در معرض قتل و کشته شدن قرار داشتند. این کشتارها از ۳ طایفه همیشه صورت گرفته است:

۱. منکرین و حاکمان بی دین نظام های طاغوتی و مردم طرفدار آن ها که قرآن از آن ها به عنوان ملاء یاد کرده است مانند: فرعون و نمرودها و

۲. تهدید به قتل و کشتن پیامبران توسط ادیان و مذاهب حاکم به انحراف رفته که خود به شرکی در لباس دین در آمدند. این گروه خطرناک تر و بی رحم تر از گروه اول پیامبران را به قتل رسانیدند. پیروان این گروه که همان گم شدگان در راه دین هستند به دلایل بهره مندی مادی و علو و برتری طلبی، حفظ فرهنگ باطل و ... با روحانیون دینی حاکم متحد می شدند می پرداختند که بیشترین مرتکبین این اعمال از سوی قوم یهود در تاریخ اتفاق افتاده است و ادیان دیگر مرتکب چنین جرم های بزرگ شده اند که نهایتاً به عنوان بعضی از اهل کتاب در قرآن از آن ها یاد شده است.

۳. اتحاد ادیان منحرف و روحانیون آن ها با حاکمان ظالم و مشرک بر علیه انبیاء و توطئه کردن بر علیه آن ها و نهایتاً اقدام در به قتل رسانیدن آن ها بوده است. یعنی اتحاد بین ظالمین و ضالین، طاغوتیان و دینداران طاغوتی صفت، کاهنان مشرک و روحانیون فاسد.

اقدام به قتل پیامبران به وسیله منکرین و مشرکین و کافرین

قرآن کریم آیاتی را بیان داشته که اقدام این گروه برای به قتل رساندن پیامبران مشخص می گردد. در سوره آل عمران آیه ۲۱ می فرماید: « کسانی که پیوسته به آیات خداوند کفر



می ورزند و همواره پیامبران را به ناحق می کشتند، همینطور مردمی را که امر به عدالت می کنند را به قتل می رسانند، آن ها را به عذابی دردناک بشارت ده. «

در همین سوره آل عمران آیه ۱۸۱ می فرماید: «... خداوند سخن کسانی را که گفتند خدا نیازمند است و ما بی نیازیم را شنید، بی تردید به خاطر آنچه که گفتند و نیز پیامبرانی را که به ناحق می کشتند برایشان عذاب سوزانی است که می چشند.»

تهدید حضرت نوح(ع) به سنگسار شدن و به قتل رسیدن. در سوره شعراء آیه ۱۱۶ حضرت نوح(ع) به وسیله مشرکان تهدید به سنگسار شدن می گردد.

تهدید حضرت ابراهیم(ع) به قتل. سوره عنکبوت آیه ۲۴ می فرماید: «پس جواب قوم ابراهیم(ع) جز این نبود که گفتند او را به قتل برسانید یا بسوزانید ولی خدا او را از آتش رهایی بخشید و ...»

تهدید حضرت موسی(ع) به قتل توسط فرعونیان. در سوره غافر آیه ۲۶ می فرماید: «فرعون گفت مرا بگذارید تا موسی(ع) را بکشم و او پروردگارش را برای نجات خود بخواند چون من می ترسم دین شما را نابود کنند ...»

تهدید به قتل حضرت رسول(ص) و توطئه قتل ایشان توسط مشرکان و کافران. سوره انفال آیه ۳۰ می فرماید: «کفر پیشگان درباره تو نیرنگ می زدند تا تو را به زندان ببندازند یا به قتل برسانند یا از وطن بیرون کنند ...» و ...

۱. گفتند: ای نوح! اگر [از ابلاغ دین] باز نایستی، یقیناً از سنگسار شدگان خواهی بود!



کشتن پیامبران توسط یهودیان اهل کتاب

در سوره مائده آیه ۷۰ می فرماید: « البته ما از بنی اسرائیل (برای اطاعت از خدا) پیمان گرفتیم و پیامبرانی به سوی ایشان فرستادیم. هر گاه پیامبری می آمد و آن پیامبر مخالف هوای نفس آنها بود گروهی را تکذیب و گروهی دیگر از پیامبران را می کشتند. »

این آیه بیانگر کشتن دسته جمعی پیامبران به دست بعضی از یهودیان بنی اسرائیلی بوده است. در سوره نساء آیات ۱۵۴ و ۱۵۵ آمده است. بعد از این که حضرت موسی (ع) از بنی اسرائیل پیمان اطاعت گرفت آن ها به آیات خداوند کافر شدند و انبیاء را به ناحق کشتار کردند چون قلب آن ها در پوشش بود و به همین سبب دل هایشان مهر زده شد و ایمان نیآوردند به جز عده ای قلیل ...

سوره بقره آیه ۶۱ از آیات بسیار روشنگر درباره یهودیان است که درباره اعمال پست آن ها است. اقدام به کشتن پیامبران به ناحق، گناهان شدید، کافر به نشانه های خدا و تجاوز است که نهایتاً به غضب خداوند دچار گردیده اند. و ...

۱. و کوه طور را به سبب پیمانشان [به پذیرفتن تورات، عمل به آن و ایمان به موسی] بفرارشان برافراشتیم، و به آنان گفتیم: با تواضع و فروتنی و سجده کنان، از دروازه [شهر یا در معبد] درآید. و [نیز] به آنان گفتیم: روز شنبه [از حکم حرمت صید ماهی] تجاوز نکنید. و از آنان [برای اجرای احکام تورات و فرمان های موسی] پیمانی محکم و استوار گرفتیم. (۱۵۴) پس به کیفر پیمان شکنی آنان و کفرشان به آیات خدا، و به ناحق کشتن پیامبران، و گفتار [بی پایه و باطل] شان که دل های ما در پوشش و حجاب است [از این رو سخن حق را درک نمی کنیم، لعنتشان کردیم؛] بلکه به سبب کفرشان بر دل هایشان مهر [محرومیت از فهم معارف] زدیم؛ به همین سبب جز اندکی ایمان نمی آورند. (۱۵۵)

۲. و [یاد کنید] هنگامی که گفتید: ای موسی! ما هرگز بر یک نوع غذا صبر نمی کنیم، پس از پروردگارت بخواه تا از آنچه زمین می رویند از سبزی و خیار و سیر و عدس و پیازش را برای ما آماده کند. [موسی] گفت: آیا شما به جای غذای بهتر، غذای پست تر را می خواهید؟! [اکنون که چنین درخواست



اقدام به کشتن پیامبران توسط طاغوتیان و اهل کتاب یهودی

طراحی کشتن حضرت مسیح (ع)

در سوره نساء آیات ۱۵۵ الی ۱۸۵^۱ ماجرای توطئه و اقدام به قتل حضرت مسیح (ع) تشریح شده است. در این آیات بعد از بیان پیمان شکنی یهودیان که به قتل بسیاری از پیامبران منجر می شود دچار قلب های بسته به روی نور خدا می گردند و به کفر روی کرده و در زمان حضرت مریم (س) بهتانی عظیم به آن حضرت وارد کردند و سپس در زمان حضرت عیسی (ع) اقدام به قتل آن پیامبر بزرگوار نمود که خداوند حضرت عیسی (ع) را از به

ناروایی دارید] به شهری فرود آید که آنچه خواستید، برای شما آماده است. و [داغ] خواری و بیچارگی و نیاز بر آنان زده شد و سزاوار خشم خدا شدند؛ این [خواری و خشم] به سبب آن بود که آنان همواره به آیات خدا کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند؛ این [کفرورزی و کشتن پیامبران] به علت آن بود که [از فرمان من] سرپیچی نمودند و پیوسته [از حدود حق] تجاوز می کردند.

۱. پس به کیفر پیمان شکنی آنان و کفرشان به آیات خدا، و به ناحق کشتن پیامبران، و گفتار [بی پایه و باطل] شان که دل های ما در پوشش و حجاب است [از این رو سخن حق را درک نمی کنیم، لعنتشان کردیم؛] بلکه به سبب کفرشان بر دل هایشان مهر [محرومیت از فهم معارف] زدیم؛ به همین سبب جز اندکی ایمان نمی آورند (۱۵۵) و [نیز] به سبب کفرشان [به نبوت عیسی] و گفتارشان بر مریم [پاکدامن و آراسته به عفت] که افترا و بهتان بزرگی بود [لعنتشان کردیم]. (۱۵۶) و به سبب گفتار [سراسر دروغ] شان که ما عیسی بن مریم فرستاده خدا را کشتیم. در صورتی که او رانکشتند و به دار نیاویختند، بلکه بر آنان مُشْتَبِه شد [به این خاطر شخصی را به گمان اینکه عیسی است به دار آویختند و کشتند؛] و کسانی که درباره او اختلاف کردند، نسبت به وضع و حال او در شک هستند، و جز پیروی از گمان و وهم، هیچ آگاهی و علمی به آن ندارند، و یقیناً او را نکشتند. (۱۵۷) بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد؛ و خدا همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱۵۸)



صلیب کشیده شدن توسط یهودیان و حکومت مشرکان حاکم نجات داد و آن‌ها شخصی را که خیال می‌کردند حضرت مسیح(ع) است را کشتند و خداوند تأکید دارد که یقیناً آن‌ها حضرت مسیح(ع) را نتوانستند بکشند و خداوند او را به مکان رفیعی بالا برد. به همین طریق شهادت حضرت یحیی(ع) به دست حاکمان مشرک و طاغوتی زمان او با دسیسه یهودیان صورت گرفت و همچنین به شهادت رساندن حضرت زکریا(ع) نیز با اقدامات این دو گروه به وقوع پیوست که از جمله کشتن پیامبران از اتحاد حاکمان ظالم و فاسد با روحانیون یهودی دنیا طلب به وقوع پیوسته است.

نتیجه کلی

آیات زیادی از قرآن که در این نوشتار بخش کوچکی از آن‌ها ذکر گردید بیانگر وجود دشمنانی از جنس جن و شیطان و انسان‌های شیطان صفت بر علیه پیامبران بزرگوار است. این گروه جنی و انسی با صفات شیطانی که داشتند در طول تاریخ بعثت انبیاء به طور مستمر با پیامبران به مبارزه برخاسته‌اند که در آغاز دعوت آن‌ها از خنده و طعنه زدن‌ها تا استهزاء، تحقیر، تهمت و ... شروع کردند و تا راندن و بیرون کردن و چپاول آبرو و اموال آن‌ها و پیروانشان پیش رفتند و نهایتاً بسیاری از آن‌ها به طرز ناجوانمردانه‌ای به قتل رسانیدند.

این فشارها به پیامبران و پیروان مؤمنانشان چنان سنگین و سخت بود که در بعضی از مواقع آن‌ها در وعده‌هایی که خداوند برای عذاب قوم کافر و مشرک داده بود تا سر حد ناامیدی پیش می‌رفتند (سوره یوسف آیه ۱۱۰) 'اما با محقق شدن وعده‌های الهی مؤمنان، پیروزی

۱. [پیامبران، مردم را به خدا خواندند و مردم هم حق را منکر شدند] تا زمانی که پیامبران [از ایمان آوردن اکثر مردم] مأیوس شدند و گمان کردند که به آنان [از سوی مردم در وعده یاری و حمایت] دروغ گفته شده است. [ناگهان] یاری ما به پیامبران رسید؛ پس کسانی را که خواستیم رهایی یافتند و عذاب ما از گروه مجرمان برگردانده نمی‌شود.



و فلاح را در دنیا و آخرت به دست می آوردند و آزمایش های الهی را با موفقیت به پایان می رساندند. ما سعی کردیم بخش کوچکی از رنج های بی پایانی را که پیامبران و مؤمنان در راه مبارزه با باطل کشیده اند را بیان نمائیم تا چراغ هدایتی باشد برای همه مؤمنان در رنج ها و سختی هایی که برای حفظ ایمان و دین خود تحمل می کنند و آرامشی بر قلب های آن ها گردد و با پایداری و استقامت، خود را در حزب بزرگ مؤمنان در تاریخ حفظ کنند.

والسلام



